



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

مجربات  
حکیم علی گیلانی

نویسنده: علی گیلانی

مصحح: علی رضا مسعودی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مجربیات حکیم علی گیلانی

نویسنده:

علی گیلانی

ناشر چاپی:

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۱۲	..... مجربات حکیم علی گیلانی
۱۲	..... مشخصات کتاب
۱۲	..... درباره حکیم علی گیلانی و کتاب ارزشمند مجربات او
۱۳	..... شقیقه
۱۳	..... صداع
۱۴	..... سرسام
۱۴	..... امراض العین
۱۴	..... بیاض
۱۴	..... البیاض و السبل
۱۵	..... غرب
۱۵	..... اشاره
۱۵	..... نسخه شیاف غرب
۱۵	..... سبل
۱۵	..... اشاره
۱۵	..... علاج
۱۵	..... زرقق
۱۵	..... ظفره
۱۶	..... طرفه
۱۶	..... اشاره
۱۶	..... علاج
۱۶	..... دمعه
۱۶	..... حول

۱۶	شعیره
۱۷	شعر منقلب
۱۷	اشاره
۱۷	علاج
۱۷	عشا
۱۷	اشاره
۱۷	علاج
۱۷	علاج جهر
۱۷	علامات نزول الماء
۱۷	اشاره
۱۷	علاج
۱۸	امراض الاذن طرش
۱۸	اشاره
۱۸	وجع الاذن و ورم الاذن
۱۸	امراض الانف و فساد و نقصان الشم
۱۸	اشاره
۱۹	رعاف
۱۹	قروح الانف
۱۹	زكام و نزله
۱۹	اشاره
۲۰	علاج
۲۰	امراض الفم و خلل ذایقه؟
۲۰	اشاره
۲۰	علاج

۲۰	قلاع
۲۰	قروح الشفه و الفم
۲۱	استرخای زبان
۲۱	جفاف زبان
۲۱	اورام لسان
۲۱	ضعف الاسنان
۲۱	وجع الاسنان
۲۱	اشاره
۲۲	علاج
۲۲	نسخه سنون
۲۲	طریق سوختن
۲۳	استرخاء اللهاة
۲۳	اشاره
۲۳	علاجش
۲۴	العلق و الشوك الناشب فی الحلق
۲۴	تیزی آواز
۲۵	سعال
۲۵	اشاره
۲۵	علاجش
۲۵	علاجش
۲۵	ربو
۲۵	اشاره
۲۶	علاج
۲۶	نفث الدم

۲۶	نفت‌مده
۲۶	اشاره
۲۷	علاج
۲۷	ذات الجنب
۲۷	اشاره
۲۷	علاج
۲۸	ورم الثدی
۲۹	هیضه
۲۹	تهبج اطراف
۲۹	ذرب و زلق المعده
۲۹	فواق
۲۹	ضعف الكبد
۲۹	ورم رحم و معده
۳۰	اسهال کبدی
۳۰	ذوسنطاریای کبدی
۳۲	علاج زحیر
۳۳	بواسیر
۳۳	اسهال بواسیر
۳۴	خروج مقعد
۳۴	علاج ورم مقعد
۳۴	بول الدم
۳۴	احتباس بول
۳۵	سوزاک
۳۵	خیارک



۳۵	اورام الانثیین
۳۵	احتباس حیض
۳۶	صلابت رحم
۳۶	جراحات تازه
۳۷	زخم گربه گزنده
۳۷	کوفت رسیده
۳۷	سوختگی آتش
۳۸	ناصر
۳۸	نضج دمامل
۳۸	تفجیر ورم
۳۸	خنازیر
۳۸	مرهم رال
۳۸	مرهم اشق
۳۹	کفکیرک
۳۹	برای دفع عرق
۳۹	مطبوخ برای آتشک
۴۰	جرب
۴۰	روغنی که در حفظ شعر و تقویت آن
۴۱	حمی الدق
۴۱	حمی الدق
۴۲	حمی بلغمی
۴۲	الحصبة و الجدری
۴۳	آتشک
۴۴	برص ابیض

۴۴	برص اسود
۴۴	درد زانو
۴۵	تصویل جواهر
۴۵	معجون چوب چینی
۴۵	معجون سنا
۴۵	معجون قابض
۴۶	معجون زحیر
۴۶	معجون تربد
۴۶	معجون یاقوتی بارد
۴۶	مفرح معتدل
۴۷	مفرح کبیر
۴۷	مفرح بنگیان
۴۷	قرص کافور
۴۷	قرص عنبر
۴۸	معجون طلاء
۴۸	سفوف قابض
۴۸	سفوف طباشیر
۴۸	روغن دیودار
۴۹	مرهم زنگار
۴۹	مرهم اشق
۴۹	مرهم سیماب
۴۹	فلافیون
۵۰	شربت گاوزبان عنبری
۵۰	شربت سودا

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ..... ۵۱

## مجلات حکیم علی گیلانی

## مشخصات کتاب

نام کتاب: مجربات حکیم علی گیلانی  
 نویسنده: گیلانی، علی  
 تاریخ وفات مؤلف: قرن ۱۰ ق  
 محقق / مصحح: مسعودی، علی رضا  
 موضوع: بیماری ها  
 زبان: فارسی  
 تعداد جلد: ۱  
 ناشر: دانشگاه علوم پزشکی ایران  
 مکان چاپ: تهران  
 سال چاپ: ۱۳۸۷ ه. ش  
 نوبت چاپ: اول

## درباره حکیم علی گیلانی و کتاب ارزشمند مجربات او

در هندوستان علاوه بر خانواده ابو الفتح گیلانی که شرح مفصلی از ورود این سلسله از پزشکان به هند و حکمایی که از این خاندان منشاء خدمات فراوانی در پزشکی و صاحب آثار و تألیفاتی در این علم بوده‌اند در کتاب گرانقدر تاریخ روابط پزشکی ایران و پاکستان اثر استاد فقید مرحوم پروفیسور حکیم نیر واسطی یافت می‌شود، خانواده دیگری نیز با پسوند گیلانی در میان حکمای برجسته هند اسلامی وجود دارند که ورود آنها به هندوستان در زمان اکبر شاه از سلاطین مغول هند اتفاق افتاده است. بزرگ این خاندان حکیم الملک شمس الدین گیلانی بود که به نقل ملا عبد القادر بدایونی در منتخب التواریخ، اسوه ممتازی از یک استاد نوآور و نمونه در آموزش پزشکی و تلاش بی‌وقفه و مستمر برای شایسته‌ترین حکماء بود. خواهرزاده شمس الدین گیلانی یعنی حکیم علی گیلانی از اجله پزشکان زمان بود که تحصیلات پزشکی خود را نزد حکیم الملک شمس الدین و دائی دانشمندش حکیم فتح الله شیرازی گذراند.

شهرت او در حذاقت و وسعت دانش او در پزشکی زبانزد خاص و عام بود تا جایی که به نقل مرحوم استاد از کتاب مآثر الامراء جلد یکم صفحه ۵۷۰ «معالجات دست بسته او موجب حیرت عالمیان می‌شد.»

در کتاب ذخیره الخوانین جلد یکم صفحه ۲۴۴ مطلبی در خصوص بنائی که حکیم علی گیلانی برای مطب خود ساخته بود اشاره شده است که ظاهراً این بنا که به حوض علی معروف بود از یک حوض و یک اطاق تشکیل می‌شد که برای ورود به اطاق بگونه‌ای می‌بایست از حوض عبور

مجلات حکیم علی گیلانی، ص: ۳

می‌کردند بی‌آنکه آب حوض وارد اطاق که زیر حوض قرار داشت بشود این حوض و اطاق عجیب مورد بازدید پادشاه زمان (یعنی اکبر شاه) نیز قرار گرفته است.

از حکیم علی گیلانی آثار مهمی مثل شرح گیلانی باقی مانده است شرح گیلانی یک مجموعه ۴ جلدی به زبان عربی است که از

شروح بسیار معروف قانون ابن سینا است درباره پزشکان گیلانی از جمله حکیم علی گیلانی و تأثیر آنها در پزشکی هند، تا آنجا که بیاد دارد مرحوم دکتر محمد علی فروچی جراح و استاد آناتومی دانشگاه علوم پزشکی ایران کارهایی انجام داده بود که شاید محققین علاقمند بتوانند از آنها استفاده نمایند. وفات حکیم علی گیلانی روز جمعه ۵ محرم سال ۱۰۱۸ هجری قمری واقع شده است.

اما کتاب حاضر یعنی مجربات حکیم علی گیلانی بصورتی که ملاحظه می‌شود از روی نسخه چاپ سنگی منتشر شده در دهلی تکثیر شده است، ظاهراً "باید مقدمه‌ای در سبب تألیف می‌داشت. بهر صورت در این کتاب مختصر گنجینه ارزشمندی از تجارب این حکیم بزرگ وجود دارد که بی‌شک برای محققین طب سنتی سودمند خواهد بود.

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۴

الحمد لله و المنة که که کتاب لائانی مسمی به مجربات حکیم علی گیلانی در مطبع دهلی پریس باهتمام بنده دیبی سهای انطباع یافت

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۵

بسم الله الرحمن الرحيم

### شقیقه

که بغایت شدید و هولناک بود و بیمار ضعیف و ماده مرکب از بلغم و صفرا بدین طریق علاج کردیم صحت شد دو روز مسهل داده شد بدین نسخه بنفشه یک توله عناب بست و پنج دانه اسطوخودوس یک مثقال نیلوفر یک مثقال شاهتره یک توله سنا مکی دو توله بادرنجبویه نیم مثقال گاوزبان نیم مثقال خمیره بنفشه دو توله این مطبوخ با یک درم ایارج فیکرا و یک درم اطرینفل داده می‌شد و بدین دارو ضماد کرده می‌شد بوش دربندی یک توله بزرقطونا یک توله تخم کاهو یک توله کافور دو توله بذر البنج یک توله افیون مصری سه توله صندل یک مثقال شیاف مامیثا یک مثقال حضض مکی یک مثقال صمغ عربی یک مثقال صمغ درخت سرس یک توله ادویه را بکوبند نازک و به آب کشنیز تر و بول بقر خمیره کرده قرص سازند هر قرصی مقدار مثقال دو قرص تا سه قرص ازین با سرکه و روغن گل حل کرده بمالند اقسام شقیقه را

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۶

را نیم مثقال با یک درم ایارج فیکرا با یک درم اطرینفل کشنیزی می‌داده باشند چند روز متوالی که دفع می‌شود و این دوا بجهت اسهال و اطلاق نیست بلکه صرف بجهت بخار است ایضا داغ کردیم در شقیقه قدیمی بغایت مبرح فصد عرق معهود کرده نمودیم و اندک تقویت کرده چند شب ایارج فیکرا نیم مثقال ایارج جالینوس نیم مثقال ایارج شحم حنظل نیم مثقال ممزوج کرده دادیم صحت شد

### صداع

درد سری که بغایت عظیم بود و ابتدا از شقیقه باشد و هوا نیز تصرف کرده باشد بر شقیقه شرط کنند که اندکی خون ظاهر شود و روان نشود جوزبوا سائیده در آن موضع شرط پر کنند و اندکی روغن مسکه بر آن می‌مالیده باشند به انگشت تا خشک شود باز روغن دیگر بمالند که بغایت مجرب است و نافع و معمول مجرب در صداع و شقیقه تر مزمن به ایارج فیکرا مداومت کنند تا چهل روز هر شب نیم مثقال خورده خواب کنند اگرچه اسهال نکند نافع است

## سرسام

در سرسام عامی که بی‌شعوری می‌آرد و اختلاط عقل می‌شود فلفل را باریک سائیده و با لعاب‌دهان اسب و آب درخت سرس در چشم می‌کشند و عمدۀ فلفل است که می‌سوزاند و بشعور می‌آورد گاهی جنون از غرایب معالجات است که یکی را از ادانی تقرب بملوک یافته بود جنون مانیا عارض شد بعلاج آن مشغول و مامور شدیم سفری بود که ادویه مطلق میسر نبود و مرض در غایت اشتداد بود بخاطر رسید که چون از مقربان ملوک است غروری و حمقی باز خواهد بود بلکه باعث ثوران ماده همین خواهد بود پس دو کس را از مردم مجالس بدزبان بهم رسانیدم که او را همیشه دشنام‌های قبیح می‌داده باشند از آنچه بیشتر بد آید بسیار خوب است الغرض در بست روز شفا یافت احتیاج بعلاج دیگر نشد الا

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۷

آنکه در آخر ضرب سقط اندکی دفع شد صرع عارض شد مردی را که عمرش از شصت متجاوز بود هر روز چندین دفع می‌آمد چندانکه اکثر اوقات او در صرع بودی بشیر شتر مداومت کرد تخفیف یافت چنانچه الحال پنجاه شد که مطلقا صرع عارض او نشده و این بسیار غریب است دارد دیگر هم درین اثنا شهدانه می‌خورد سهر شهدانه با شیر بسایند و بر کف پا طلا کنند خواب آورد و کذلک ورق قنب را با شیر سائیده بر کف پا بندند بطریقی که حنا بندند خواب آورد و تریاق فاروق تازه که زیاده از چهار ماه بر ساختن او نگذشته باشد در تنویم و دفع سهر بی‌نظیر است

## امراض العین

این دارو در جمیع امراض چشم نافع و مجرب است الا در سبل و نزول آب که در تجربه نشده در اوائل رمد نیز جائز نیست پوست هلیله کف دریا و چشمیزک و شیر شیر که در بیابان خشک شده می‌بندند و زاک سفید و کات هندی از هر یک چهار جزو و توتیا هندی نه جزو بغایت نازک بسایند و به آب شیافها سازند و در چشم کشند

## بیاض

این دارو در ازاله بیاض بغایت خوب است مس سوخته دو جزو قطران یک جزو نوشادر یک جزو سرطان نهی چهار جزو شاخ گاو کوهی دو جزو شیخ محرق سه جزو استخوان غیر سوخته سه جزو سکینج دو جزو و مامیران دو جزو خرد الحما یک جزو زبل راسو یک جزو نازک سائیده اکتحال کنند که نافع است

## البیاض و السبل

ایضا مجرب زاج محرق هشت جزو روی محرق هشت جزو صدف محرق هشت جزو توتیای محرق چار جزو سیماب یک جزو توتیای هندی غیر محرق چهار جزو جدا جدا بسایند درهم کرده طبقی برنجی یا مسی ساده سائیده بمالند با قلیلی روغن گاو تا مثل غبار شود بهمراه پارچه مسی که بر سر چوبی

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۸

چوبی مضبوط کرده باشند بمالند و بعد از آن نگاهدارند و استعمال کنند مجرب است گاهی در چشم آشوبی از غبار یا از دود و مثل آن پیدا شود علاجهای قوی نکنند بگلاب بشویند و اگر قطره آب غوره چکانند نیز خوب است یا صبر سقو طری بگلاب یا آب کشنیز سبز تازه کوفته بریزند با صندل و فوفل و حضض و شیاف مامیثا طلا کنند اگر اخلاط بدن در زیادتی باشد حجامت کنند بر

قفا یا فصد کنند از قیفال و پرهیز کنند از غذاهای قوی و حرکت قوی

## غرب

### اشاره

اگر تازه باشد با مازو بشویند و پاک کنند و ادویه تیز مثل شیاف غرب که درینباب مجرب است بکشند و شیاف مامیثا و مر و زعفران با برگ کاسنی صحرائی حل کرده بچکانند و براده مس و زاک و نوشادر نیز بغایت مفید است و آرد چنبیلی نازک بسایند و با برگ نیم بطریقی که در باب ناسور مقعد گفته‌ایم نافع است

### نسخه شیاف غرب

اینست شب دم الاخوین ائمد گلنار زنگار علی التسویه بغایت نازک بسائید و به آب شیاف سازند

## سبل

### اشاره

رگی چند است باریک و سرخ که بروی چشم تنیده می‌شود و اکثر آن از بسیاری ماده کثیف می‌شود

### علاج

آن اول خون کشیدن است و اگر رگی که در گوشه چشم است فصد کنند بهتر بود و الا- رگی که بر پیشانی است و بعد از آن مسهل خوردن مفید است و حب بنفشه درینباب خوب است و بعد از تنقیه کشیدن داروهای تیز مثل شیاف دینارگون و پرورده غوره مفید است و مواظبت نمایند بحمام رفتن

## زرق

کبودی چشم است اگر بعد از بیماری بهم رسد زعفران در چشم کشند و به آن مداومت کنند یا فندق سوخته بسایند و در چشم کشند و آنکه جلی بود و در طفولیت حنظلی بگیرند و میل در آن فرو برند در چشم کشند که رنگ آن بسیاهی باز آید ان شاء الله تعالی

## ظفره

ناخنه را گویند و ان پرده زائده عصبانی غلیظ

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۹

بر روی چشم آید و ابتداء آن از گوشه چشم بود و چشم را از حرکت بازدارد و گاه چنان شود که سیاهی را بپوشد و چشم را از دیدن بازدارد و این مرض که کهنه شود سبل به آن یار شود و سبل نیز اگر کهنه شود این مرض به آن یار شود علاج اگر سفیدرنگ با آنکه هنوز کهنه نشده باشد به ادویه علاج کند مثل ایرسا که آن را بغایت نازک بسایند و در چشم بریزند و کندر

سائیده نیز مفید است و غسل را با زهره بز یکساله مخلوط کرده در چشم بریزند و اگر به اینها به نشود ادویهای تیزتر بکشند مثل روسختج و زاک سرخ و نوشادر و نمک سفید و شیاف روشنائی و باسلیقون و شیاف طلائی و شیاف اخضر و آنکه کهنه شده باشد غلیظ و سرخ‌رنگ باشد علاج آنست که اول دماغ و بدن را بمسهلات قوی تنقیه کنند از مواد زیادتی و فصد کنند و بعد از فصد و تنقیه دستکاری کنند و ناخنه را بردارند و بپزند و ملاحظ کنند که از ناخنه چیزی نماند که باز عود کند و از گوشت نیز چیزی بریده نشود که دمعه بهم رسد

### طرفه

### اشاره

نقطه سرخی باشد که بر سپیدی چشم ظاهر شود و اکثر آن بجهت کوفتها بود مثل رسیدن زخم و غیر آن

### علاج

آن پرهیز از غذاهای قوی مثل گوشت مرغ و شراب و شیرینی و از بال کبوتر بچه پر کلان بکشند و خونی که بر بیخ بود و هنوز گرم بوده باشد در چشم کشند سه مرتبه هر روز این عمل کنند برطرف شود

### دمعه

آن بود که آب از چشم می‌رفته باشد و همیشه علاج آن اگر از بریدن ناخنه و مثل آن شده باشد ذرور اصفرو قرص زعفران مفید بود و اگر از ضعف ماسکه بود شیاف طلائی مفید است توتیا و ادویه توتیائی هم و رفتن در حمام و مکث کردن و آب و سرکه در چشم کردن مفید است

### حول

کج بودن چشم را گویند اگر طفلان را حادث شود یا همانطور متولد شده باشد جبلی‌ها نوعی کنند که همیشه بجانب مخالف بنگرند مثل آنکه همیشه چراغی یا چیز سرخ به آن طرف بگذارند و گهواره را راست نمایند که بتکلف به آن طرف می‌نگرسته باشد و آنکه بعد از مرضهای گرم حادث شود تقویت دماغ و ترطیب آن کنند و آنکه جهت رطوبت بهم رسد تنقیه دماغ کنند و ادویه مقوی

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۱۰

در چشم کشند و باقی اقسام علاج ندارد

### شعیره

ورمی بود که در کنارهای پلک چشم بهم رسد سببش بیشتر خون بود علاجش اول فصد بود و بعد آن تنقیه به ایارجات و بگیرد سکینج در آب خل بخیسانند و پیه گذاخته گرم نیز اگر بندند مفید آید و گندم خائیده و ماش خائیده بستن مفید است و سیر اگر گرم کنند و زمان زمان به بندند مفید بود



**شعر منقلب****اشاره**

اگر مژه برگشته می‌رسته باشد و بجانب درون چشم بود و آسیب آن بچشم رسد و باعث آن شود که آب چشم می‌رفته باشد و سرخی در چشم پیدا شود و گاه بمرضهای مثل سبل و بیاض منجر شود و کذلک موی مژگان اگر بعدد زیاده شود باینجا واقع شود

**علاج**

آنست که بکند و بعضی ادویه که مانع باشد از رستن آن بمالند مثل زاج سائیده و مثل توتیا و زنگار با هم سائیده و مثل زرنیخ سوده اگر وزغی در سفال آب نادیده بسوزانند و خاکستر آن بپاشند در منع برآمدن موی بغایت قوی بود

**عشا****اشاره**

شبکوری را گویند و سبب آن خلط غلیظ بود که از روح متکون شود

**علاج**

اگر با زیادتی خون بود فصد از قیفال و از رگی که بر گوشه چشم است و بعد از آن اگر خلط دیگر غالب بود دفع آن کنند و شربت زوفا و زوفای سائیده با سداب خوردن مفید بود و بگیرند جگر بزی و بر آتش نهند و بکارد برند و آبی که از آن بچکد در چشم کشند و اگر قدری فلفل دراز و نمک هندی سائیده به آن مخلوط کنند و در چشم کشند نیز خوب است و اگر فلفل دراز و نمک هندی بوقت بریان کردن بر آن پاشند نیز نیکو بود و خوردن جگر آن و بر بخارش داشتن نیز مفید بود همچنین جگر خرگوش را همین فایده بود و شیاف مرارات در چشم کشیدن مفید بود

**علاج جهر**

غذاهای غلیظ مثل هریسه و پایچه و کشک گندم را دخل عظیم است و خوردن شراب سفید غلیظ و شیاف ایض کشیدن در چشم که قدری کافور و افیون داشته باشد  
مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۱۱  
و خوردن افیون گاه گاه مفید

**علامات نزول الماء****اشاره**

دیدن خیالات سابقا از مرض و کدورت در چشم پیدا شده باشد و نورانی چراغ را مضاعف دیدن است

**علاج**

آن در اوائل بتخصیص اگر بسیار غلیظ است و تیره بود تدبیرهای مجفف کنند مثل غذا کم خورده و چیزهای خشک خوردن و چیزهای محلل و ملطف در چشم کشیدن نفع دارد و زهره افعی در چشم کشیدن آب را دور کند و گویند بتجربه پیوسته که اگر حب الغار مقشر ساخته مقدار عشر او صمغ عربی همراه کنند و ببول کودکی آمیخته در چشم کشند مفید است و نیز عصاره لحيه التیس و کماذریوس و بسد سائیده در چشم کشند و اگر غلیظ و کهنه باشد بدستکاری علاج کنند و همه اقسام را دستکاری مفید نبود

## امراض الاذن طرش

### اشاره

گوشت اگر نشود یا کمتر شنود آنکه جلی بود علاج نه پذیرد و اگر مدت بسیار گذشته باشد دشوار علاج پذیرد و آنکه تازه بهم رسیده اگر بشرکت دماغ یا عضوی دیگر مثل معده بود بعلاجات بشناسند و اول علاج اصل کنند مثل آنکه اگر سایر حواس تیره بود یا فکر یا ذکر بسلامت نبود بشرکت دماغ است و بر همین قیاس کنند علامات شرکت اعضای دیگر را مثلاً اگر غذا خوب هضم نشود و وقت بسیاری غذا بخار بیشتر بود بدانند که بشرکت معده است روغن بادام تلخ گرم کرده در گوش چکانند که گرانی گوش را بغایت مفید بود و زود شنوا شود بتخصیص اگر سیر خام در آن انداخته چندان بجوشانند که آن سیر سیاه شود صاف کرده گرم گرم در گوش چکانیده باشند بتجربه پیوسته که قضیب روباه را ببرند و همان طور با پوستش بمالند و به بندند و سه روز گذارند و بعد از آن باز کنند که گرانی گوش و کری آن زائل شود

## وجع الاذن و ورم الاذن

بگیرند سرگین استر تازه و بفشارند و آب آن بگیرند و مثل آن آب پیاز اضافه کنند و باقلیلی زعفران خوب بسایند تا زعفران

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۱۲

حل شود بعد از آن صاف کرده اندکی گرم کرده در گوش چکانند بجهت تسکین درد گوش بی نظیر است هر قسم دردی کم باشد بغایت مجرب است و موثوق اگر چند روز گذشته باشد که درد می کند و اثر ورم ظاهر نباشد و باد و سردی را در آن محل باشد گوشت گاو را بر بالای آتش نمایند که خوب گرم شود بیفشارند و قطره چند از آن آب گرم در گوش چکانند که درد زائل شود حکایت یکی از نسوان ملوک را ورم گوش حادث شد و معلوم شد که پخته شده و منفجر نمی شود و دهان مطلقاً باز نمی شد و از خوردن و آشامیدن افتاده بود و حال او بتباهی انجامید و علامت قرب موت ظاهر شد درین اثنا حیلہ انگیخته شد که او عطسه زد و فی الحال منفجر شد و آثار نجاح ظاهر شد و جهت تعطس بر اطراف او آب سرد ریختم و یک دانه فلفل ناسائیده در پنبه محلولی پیچیده در گوش بدارند آواز گوش برطرف شود و اگر برگ آکبه که پخته شده باشد و مائل بزردی شده باشد یک برگ را بگیرند و روغن کنجد بمالند و بر آتش گرم کنند و بعد از آن بدست بمالند که عصاره آن برآید آن را در وقت فشاردن در گوش چکانند که باذن الله تعالی نافع است

## امراض الانف و فساد و نقصان الشم

### اشاره

اگر شامه برطرف شود یا ضعیف شود و یا بوهای غیر واقع ببوید سبب آن اگر مفتوح شده باشد تفتیح آن کنند یا آنکه ادویه مفتوح مقوی مثل بابونه و شبت و اکلیل الملک پخته بر سر و پیشانی نطول کنند و چیزها که عطسه آورد بعد از آن استعمال کنند و اگر خلطی بود دفع آن کنند و پیش دماغ را باید که بهر تقدیر تنقیه و تقویت کنند و آنکه بوی ناخوش را خوش داشته باشد البته از خلط متعفن بوده باشد در پیش دماغ تنقیه آن را واجب دانند و بوئیدن تریاق فاروق و بوی‌های خوش و تند مثل مشک و کافور و اگر در آخر

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۱۳

در بیماری‌های حاده بوی خوش شنود دانند که وقت موت نزدیک رسیده است

## رعاف

علاج آن آب سرد بر پیشانی ریزند و آب کشنیز و سماق و همچنین شیاف مامیثا و کافور و افیون و گلنار و فتیله بسیاهی کاتبان آغشته کرده در بینی چکانند و قدری کافور درین روغن‌ها نمایند و سرگین خر را بیفشارند و آبی که از آن برآید در بینی چکانند فورترین علاج بود جهه رعاف بستن بغایت بغایت است انگشت کوچک از جانب مخالف رعاف و شاخ حجامت بر جگر و سپرز ماندن مفید است و گاه از گرمی و خشکی بود این علاجه مفید نیاید روغن بادام روغن کدو خشک کرده در بینی چکانند و بر سر بمالند مفید آید و مکرر چکانند و اگر قدری کافور درین روغن‌ها حل کرده چکانند بغایت نافع است و زود برطرف شود

## قروح الانف

این دارو در قروح بینی بغایت النافع است بگیرند روغن بادام یک مثقال و موم روغن سازند بعد از آن بگیرند بنفشه یک مثقال و تخم بهی یک مثقال در آب خوب بپزند و بدست بمالند و لعاب آن را باین موم روغن جمع کرده باز اندکی بجوشانند و جراحت بینی را به آن بمالند که بغایت نافع و مجرب است ایضا مریض هر صبح که از خواب برخیزد به آب مضمضه خود استنشاق کند هفت روز که جراحت کهنه و تازه را که در بینی بود برطرف سازد و استنشاق ببول سگ زرد قروح تازه و کهنه را بغایت نافع است

## زکام و نزله

### اشاره

که از کثرت رطوبت بلغمی و سوداوی روز اول فلونیای کهنه و مژودیطوس و تریاق بود تا منع طغیان کند و بعد از آن منضج به او دهند که باسانی دفع شود تفتیح مسام کنند که بخار از آن راه مندفع شود و شربتی که از بنفشه و عناب و مویز و انجیر پخته باشند جهه تفتیح خوب است و بابونه و شبت و اکلیل الملک و مرزنگوش و بنفشه و خطمی

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۱۴

و خطمی جوشانیده بخار گرفته دخلی تمام دارد و در تفتیح و نضج بوی سیاه‌دانه گرم کرده سرکه و نیل بر آن پاشند زکام را بکشاید و برگ سبزه بنفشه را گرم کرده بر سر روی به‌بندند گرما گرم قریب بشش ساعت نضج دهد و بلغم بسیار فرود آورد اگر بعد از نضج عطسه فرمایند به ادویه نیز خوب است و بعد از پاک شدن ماده فلونیا یا مژودیطوس البته نخورند که ضرر هوای خشک باز عود نکند و غذاهای سبک خورند و از ترشی مطلقا و از چربی و شیرینی به افراط ملاحظه کنند و همیشه خود را گرم و اگر

گاهی گرم و گاهی سرد شود زکام هر مرتبه خام شود و مانند عادت شود و زکام که از گرمی بود بتخصیص اگر علامات غلبه خون باشد فصد کنند و تلثین طبیعت کنند شربتی که از نیلوفر و بنفشه و تخم خبازی و سناء مکی پخته باشند و بعد از آن همین بنفشه و نیلوفر پخته می‌داده باشند و شربت خشخاش جهت زکام و نزله گرم بغایت خوب است و بوئیدن صندل سرخ که با سرکه سائیده باشند زکام گرم را بگشاید و همچنین سبوس با سرکه بوئیدن و گاه زکام و نزله که از ضعف شود خصوصا ضعیفی که از کثرت مباشرت بهم رسیده باشد

## علاج

آن به ادویه مقویه دماغ مثل معاجین و لبوب و تریاق و مفرحات یاقوتی و غذاهای مقوی خورند و ترک مباشرت کنند

## امراض الفم و خلل ذایقه؟

### اشاره

که از کثرت استفراغات بود چنانچه بعد از حمیات بهم رسیده باشد

## علاج

تقویت دماغ و بدن کنند به غذاها و دواهای مقوی و چیزهای که طعم تیز داشته باشد و اگر باعث آن خلطی بود یا ماده استفراغ آن واجب دانند و ایارجات را در آن دخلی عظیم است و بعد از تنقیه چیزهای ترش و تلخ و تیز بچشانند و سرکه عنصل و سرکه کبر و خردل و عاقرقرا و فلفل و صعتر و حاشا اگر در دهان گیرند و بر زبان بمالند نافع آید و آنکه جلی

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۱۵

بود یا از ضربه یا سقطه بهم رسد علاج کمتر پذیرد

## قلاع

روی را محرق مویال خر و موی سر آدمی در زمان زائل کند و در همه اقسام قلاع متقیح و بشور متقیح در دهان و زبان آب حنا بغایت نافع است و مجرب و اگر در آن کافور و طباشیر نیز باشد بهتر و خون کشیدن از دو طرف ذقن بسیار نافع است و گویند روغن اذخر نیز نفع عظیم دارد اما حنا بغایت مجرب است

## قروح الشفه و الفم

حکایت طفلی را خروس زده بود بر لب و زبان و حال او بد شد دو سه ماه بدان حال بود و دهان باز نمی‌شد و جراحت بود بر لب و زبان و دهان زلوی بسیار چسبانیده مضمضه بسیار فرمودیم و بحنای سائیده و کافور که در آب عنب الثعلب حل کرده شده بود بغایت نافع آمد بخر اگر از دندان یا بیخ آن باشد نمک و فوفل و فلفل و سرکه و غسل بمالند و مصطکی گزمازک و ساذج و شراب و عاقرقرا بخایند و باید که همین علاج مداومت کنند و اگر از معده بود قی کنند و ایارجات که معده را پاک گرداند خورند اگر ماده آن صفرا بود آب زردآلو و آب تمر هندی و آب کاسنی هر صبح خورند و غذاهای ترش نخورند و آب لیمو و همچنین بهی نافع است قرص زرشک و قرص کافور خوردن بغایت نافع است و اگر ماده اش بلغم بود از قرنفل و مشک و مصطکی

و کندر و پوست اترج و بسباسه و نارمشک و عنبر معجون ساخته به آن مداومت کنند و از همین ادویه اگر حب سازند و زیر زبان نگاهدارند هم مفید است و از غذاهای بلغم‌انگیز پرهیز کنند

### استرخای زبان

اگر کثرت رطوبت بود و اتفاقاتی عارض شود گاه بود که آن سستی زبان برطرف شود و مالیدن زبان بفریون و جاوشیر راتیانج مفید است و زنجبیل که در آب لیمو سائیده باشند در دفع این علت مجرب است و مضمضه کردن بسرکه عنصلی که در آن حاشا صعتر و خردل و عاقرقرا

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۱۶

و پوست بیخ کبر داخل بود مفید است و غرغره کردن به آب گرمی که در آن فلفل و نوشادر و عاقرقرا و خردل و بوره و زنجبیل و مویز و صعتر و شونیز و مرزنگوش ریخته باشند بغایت مفید است

### جفاف زبان

خشکی کام و زبان گاهی باشد که خشکی کام و زبان بهم رسند در امراض محلله علاج آن بدهان شویه کنند که از اسپغول ماخوذ باشد و مانند آن و اگر بعد از این خشکی بماند یا آنکه خشکی حادث شود و سبب بادی ظاهر نباشد اندکی زلالی (زلابی) خوردن مفید است همچنین شربت‌های دیگر انار ولایتی را در تولید لعاب دخل عظیم است

### اورام لسان

اگر دموی بود فصد قیفال و رگ زیر زبان کنند و بعد از آن مسهل خورند و آب برگ کاسنی و عصاره برگ کاهو و برگ عنب الثعلب و دوغ و آب عصی الراعی را بگلایب و آب بجوشانند و به آن مضمضه کنند یا در دهان نگاهدارند و شفتالوی نارسیده بمالند اگر به این چیزها برطرف نشود منضجات و محلات مثل جوشیده انجیر و بیخ سوسن و حلبه و مویز و بادیان در دهان نگاهدارند و بعد از آن مسهلات و ایارجات خورند و ایارج لوغادیا در دهن نگاه دارند

### ضعف الاسنان

هیچ چیز دندان ضعیف جنبان را و گوشت بیخ دندان را که سست و نرم شده باشد از فصد چهار رگ بهتر نیست و فائده این بتجربه ظاهر شود و مدت بسیار بماند و حکم طب آنست که جهت حفظ صحت دندان را در دو سال تا سه سال یکبار فصد چهار رگ نمایند تا صحت بر دوام باشد نقل از حکما است که هیچ باک نداریم از آنکه مزاج اصلی حار باشد یا بارد که در دو حال فائده عبث است مگر آنکه این درد از برد ناشی شده باشد به مزاجی و این بغایت اندک است و نهادن زلو بر بیخ گوشت دندان از آن قبیل است که فی

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۱۷

الفور درد بنشانند و بعد از برآوردن خون مضمضه کنند بایارج و فلفل و عاقرقرا که بسرکه و گلاب آمیخته باشد

### وجع الاسنان

برگ درخت چنپلی را بکوبند تا مثل آرد خمیر شود و اندک گرم کرده بیخ دندانها را به آن بگیرند دو طرف دهان و روی را پیارچه بسته خواب کنند هم درد ساکن شود و هم بیخ دندان استوار شود دندان خرگوش را بر دندان دردناک بمالند فی الحال درد ساکن شود لیکن باید که دندان موافق باشد اگر کسی را نزله بوده باشد و ماده در بیخ دندان ریخته و ورم کرده

## علاج

کنوچه را نازک بکوبند و به آب آن را خمیر نرمی ساخته بر بیخ دندان بمالند و شب همانطور گذارند که تحلیل دهد یا نضج کند و ریم را بر آرد

## نسخه سنون

سنونی که دندان را قوت دهد و بوی دهان خوش کند سنبل الطیب سعد ساذج هندی قرنفل حماما گل سرخ زیره عود مصطکی نمک سوخته همه اجزاء برابر بکوبند و ببیزند و سنون کنند

## طریق سوختن

آنست که نمک را ریزه ریزه کنند و بعسل خمیر کرده در پارچه کتان به بندند و بگل بگیرند و در تنور اندازند و چون تنور خنک شود بر آوردند و گل از آن دور کنند و استعمال کنند بجای مسواک سنون بنمک که بغایت نافع است و آن مداومت کنند و گاهی قدری فلفل سائیده اضافه می کرده باشند اگر زاج و نوشادر در موضع کرم دندان نهند کرم را بکشد و دندان روشن کند و مضمضه به آب برگ شفتالو و زراوند مفید آید پوست نارگیل را نیمکوفته کرده بر آتش نهند و دود آن را بر پاره آبگینه که به آب دهان تر کرده باشند بگیرند و بر سوراخ دندان کرم خورده که درد می کرده باشد بگذارند که درد زود ساکن شود و دندان محکم گردد و اگر بیخ دندان پوسیده و خورده باشد و از هم بریزد پس معالجه باید کرد و بعد از خون کشیدن و تنقیه معده از ایارجات و هلیله جات بعد از آن

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۱۸

سنون بر دندان بمالند بچیزی که جلا آورد و قوت دهد این سنون از تالیف ماست عاقرقرا و ج کزمازج سعد از هر یک شش جزو پوست انار پوست کندر مازوی سبز گلنار برگ گل سرخ از هر یک سه جزو کف دریا نمک سنگ شب یمانی حلزون سوخته فلفل سفید مصطکی عود بلسان از هر یک یک جزو و شاخ گوزن دندان فیل تخم هلیله از هر یک چهار جزو طباشیر تخم خرفه نشاسته کتیرا کشنیز سوخته آرد عدس از هر یک هفت جزو اجزاء را باریک بسایند و بحریر ببیزند باز در هاون بسایند و در حریر محکم تر ببیزند باز در هاون کنند تا ممکن شود چنانچه از حریر صفت بگذرانند بعد از آن قدری کافور اضافه کنند تا خوش بو شود باز بسایند و نگاهدارند و محافظت جهت استحکام بیخ دندان و تقویت دندان و رویانیدن گوشت بیخ دندان و بوی دهان و دفع نزله که مضرت به دندان رساند بغایت نافع است دو تا گل نگاهدارد و اگر خواهند که بر دندان بمالند با سرکه مخلوط کرده بمالند و جهت سستی لثه مضمضه کنند و برای دفع نوازل بروغن زیت خمیر کرده بر بیخ دندان گذارند برای استحکام دندان این دارو بیخ دندان را محکم کند تالیف ماست طباشیر گل تکمه مازوی سبز گلنار شاخ گوزن سوخته ابهل پوست انار هلیله زرد همه اجزاء برابر بغایت نازک بسایند و از حریر بگذرانند و بر بیخ دندان پاشند که بغایت نافع است این دارو نیز از تالیف ماست گوشت بیخ دندان برویاند و بسیار قوی است درین باب فوفل طباشیر گرد سماق خشک کاته هندی نازک بسایند و بر بیخ دندان پاشند و شب خواب

کنند سنونی که استحکام دندان نماید زاک سفید دو درم کاتنه هندی براده آهن پوست درخت مولسری پوست هلیله هر یک سه درم کسپس چوب چینی

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۱۹

هر یک یک درم نیله تهوته دو درم پوست انار نیم درم همه اجزاء کوفته بیخته درهم کنند قدری از آن بر دندان بمالند مثل مسی و بروغن نیمگرم مضمضه کنند و لمحہ در دهن نگاهدارند و بعد از آن بیندازند دو سه نوبت بکنند نافع است ادرک که زنجبیل تر باشد آن را ورق ورق کنند و نمک سوده بر آن افشانند و بعد از آن گرم کنند و بر دندان گرم کشنده نگاهدارند که در ساعت درد ساکن کند

## استرخاء اللہاء

### اشاره

علاج استرخاء لہاء لوزتین و خناق و استرخای آن اکثر از رطوبت غذای شب می‌شود و این استرخاء گاهی چنین قوی بود که مشتبہ بورم شود و بعضی آثار خناق ظاهر شود و راه گلو ازین ورم تنگ گردد و منجر بخناق شود و نشان او آن بود که دهان اندکی باز بماند و زبان او از دهان بیرون افتد

### علاجش

آنست که در اول هر دو پای مریض را دلک کنند بقوت چنانکه بدرد آید و کذلک هر دو دست را و غرغره فرمایند برب توت سیاه و گلاب و اگر حرارت غالب بود آب کشنیز سبز و سرکه و آب برگ عنب الثعلب درین غرغره اضافه فرمایند و اگر قلبی کافور و زاج اضافه کنند خوب است و اگر آثار غلبه خون ظاهر شود اگر قیفال را گشاده‌تر فصد کنند مفید آید باید که مریض را بر پا می‌دارند و دست بر موضع ورم می‌مالیده باشند و چون تخمین کردند که ده مثقال خون رفته انگشت بر موضع فصد نهند و خون را نگاهدارند و مریض را بفرمایند که قدمی چند برود و در این زمین سنگریزه و خار خاشاک اگر بریزند بهتر است که پای او آزرده شود تا مواد متوجه اسفل شود و بعد از آن انگشت از موضع فصد بردارند که خون روان شود و چون ده مثقال دیگر خون برود باز به انگشت سد رفتن خون کنند و قدمی چند دیگر بطریق مذکور راه رود و مکرر این عمل کنند چندانکه تخمینا مجموعه مقدار

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۲۰

مقدار صد مثقال خون یا بیشتر بحسب سن و قوت برود و اگر احتیاج شود تا سیصد مثقال خون دفع کنند به ده دفع و ما بین هر دو دفع اگر یک ساعت هم فاصله شود خوب است و اگر مرض بسیار حاد نباشد فرصت دهد بعد از آن تلین طبیعت کنند به آلو و آب تمر هندی و طیبخ بنفشه و نیلوفر و یا نقیع هلیله دهند و یا شربت ورد مکرر و بعد از آن غرغره مذکور کنند و اگر احتیاج شود دو رگ که در زیر زبان می‌شود فصد آن هر دو کنند و خون بسیار روان کنند و این رگهای زیر زبان نیز همان روزی که فصد قیفال کرده باشند کنند و اگر فرو بردن دوا و طعام مشکل شده باشد بمحجمه قفای آن بمالند و بزور بکشند که ره باز شود و گاه باشد که برای نفس نیز این عمل باید کرد و اگر مواد بلغمی باشد غرغره آن از گلاب و زنجبیل سائیده و فلفل در آب زنجبیل تر کرده و اگر معتاد بنازل نباشد سرکه نیز همراه آن کنند و زنجبیل و سرکه و عسل هر یک را یک وقیه در ده وقیه آب بجوشانند و غرغره کنند و وقت غرغره اندک گلاب اضافه نمایند و اگر ایارج فیکرا نیز اضافه نمایند بغایت خوب است و جاذب مواد بلغمی و مسکن

وجع و مزیل ورم و بهتر آنست که اول افسنتین و صعتر هر یک دو مثقال بجوشانند و در آخر زنجبیل بعد از آن سرکه و عسل و غیرهما اضافه کنند و تلین طبیعت و اسهال بدواء الترید و معجون آن کنند فصد در غیر دموی نیز مفید است اما فایده اسهال بیشتر است چنانچه فایده فصد در دموی و حقه را دخل عظیم است در باب خناق هر قسم آن بتخصیص صنف بلغمی و رطوبی را بحسب مزاج و قوت بگیرند کافور شیاف مامیثا حضض مکی افیون صبر در آب برنج و آب کشنیز و آب عنب الثعلب و سرکه حل کرده طلا کنند از بیرون از برابر و گل خطمی و برگ آن و تخم آن اگر بپزند

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۲۱

چندانکه بطریق خمیر شود و بعد از آن قدری گلاب در آن ریزند و نیمگرم موضع ورم را از بیرون بطبخ کنند چنانکه شبانروزی چهار تکرار نمایند بغایت نافع است در کل اورام و اوجاع حلق و گلو حتی در ورم باطنی و ورم دموی و صفراوی اکثر رادع می کنند الا- نادر بخاصیتی که درد است و اگر ورم پخته شود از درون بآبی که خطمی در آن جوشیده باشند غرغره بسیار کنند منفجر می سازد و بعد از پخته شدن اگر به انگشت مدد کنند که باز شود خوب است یا بدوای منفجر مثل خردل و سرگین خطاف منفجر کنند و حل الخناق نیز بخاصیت دفع این مرض کند و اگر در خناق احتیاج شود سگی که او را سه روز گرسنه داشته باشند و بعد از آن روز دیگر غیر از استخوان چیزی دیگر باو نداده باشند سرگین او را بگیرند و خشک کنند و بسایند در حلق مخنوق بدهند نافع است و حیل دیگر آنست که محجمه بزیر دو شانه بگذارند و خوب زور کنند و بعد از آن بر هر دو سرین کشند و بعد از آن بر هر دو ران و بعد از آن بر هر دو ساق بکشند و محجمه را بر هر دو ساق نگاهدارند که وجع آن و زور محجمه متصل بوده باشد و بدانکه تب در خناق می باشد و اگر تب بغایت تند باشد راه گلو تنگ بسیار شده باشد مرض خطرناک است و اگر باین حال کف در دهان او ظاهر می شود زود بموت می رساند از مخنوق بسیار شده که تا ده مرتبه و دوازده مرتبه خون کم کرده ایم بعضی بفسد و بعضی بحجامت و مسهلات داده ایم و غرغره ها و ضمادها کرده تا خوب شد

### العلق و الشوک الناشب فی الحلق

چیزها که در حلق بماند اگر لقمه از طعام یا نان باشد بمدد آب فروبرند تا به مشت چند بر گردن و پشت زدن و اگر مثل استخوان باشد لقمه بزرگی از طعام فرو برند که آن را پایان می برد و اگر باین نشود پاره گوشتی و انجیر خشک را بریسمان به پیچند و اندکی بدنندان بخایند و فروبرند و بعد از آن بریسمان که در دست باشد بکشند تا آن گوشت یا انجیر برآید دیگر این عمل کنند

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۲۲

و اگر پوست ترنج و امثال آن از سرفه کردن حفظ کنند که باعث ورم حلق شود و بکشد و ادویه ملزقه مثل لعابات فرو برند و تخم بهی در دهان نگاهدارند و لعاب آن را فرو برده باشند و آنچه نمایان باشد با سر کلبتین برآورند و اگر زلو در حلق مانده باشد نانخواه و فلفل را که نازک بسایند و در حلق او بدمند که زلو از نانخواه می گریزد و جای خود را می گذارد بعد از آن اگر بمعده رود سرکه و نمک بخورند که قاتل آنست بعد از آن تلینی که دفع آن کند و اگر در بینی باشد نانخواه و فلفل را سائیده با نفس بالا کشند و چون جدا شود دفع آن کنند و اگر مریض حیل سازد و بچیزهای گرم ناشسته شود بعد از آن پارچه برف در دهان گیرند که او بطلب سردی برمی آید و طحلب که بوی گل داشته باشد در وقت تشنگی در دهان نگاهدارند نیز خوب است که او به طحلب مائل است اگر جراحت مانده باشد لعاب بزرقطونا بدهند و بعد از آن اگر احتیاج افتد آبی که در آن گلنار و پوست انار جوشانیده باشد بدهند و سائر علاجات جراحت کنند



از تنگی قصبه ریه باشد و باعث آن خشکی مزاج بود چنانچه زنان را می‌باشد و گرانی اواز از فراخی قصبه ریه باشد و باعث آن گرمی مزاج بود و صفائی آواز از خشکی قصبه باشد و تیرگی از رطوبت و درشتی آواز جهه درشتی قصبه و نرمی آواز جهه نرمی قصبه ریه و تدارک هر یکی بافراط شود که از خوردن ضد آن کنند و گاهی آواز بنشینند از دود و غبار و آوازه‌های بلند و کثرت سخن و طعام‌های تیز مثل سیر و خردل و مانند آن تدارک آن به روغن بادام کنند و بادام نیز خورند در حمام و زرده بیضه مرغ نیمبرشته خورند و مسکه که به آب شیر گرم شسته باشند یا نبات خورند و آش و فالوده و فرنی و امثال آن غذا باشد و حب سرفه که مغزهای تر داشته باشد در زیر زبان نگاهدارند

## سعال

### اشاره

اما سرفه که از خشکی قصبه ریه باشد علاج آن

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۲۳

نزدیک است به آنچه گفته شد و آنچه از خشکی باشد یا از کثرت بلغم چنانچه اغلب آن باشد احتراز از ترشی و غذاهای خنک بلغم‌انگیز و شربت زوفا بخورند و خمیره بنفشه به آب گرم بخورند و این حب سرفه بخورند که بغایت نافع است مر مکی میعه افیون از هر یکی دو جزو روغن بلسان زعفران از هر یکی یک جزو که سرفه از گرمی و صفرا بهم رسد

### علاجش

شربت نیلوفر و قرص کافور و روغن کدو و روغن بادام و دوغ و آب لیمون و مثل آن کنند و در هر سرفه که بلغم غلیظ پخته دفع می‌شده باشد باندک زوری زود حبس آن نکنند بلکه مدافعت کنند با شربت زوفا و بنفشه و خمیره بنفشه و بعد از آنکه ظاهر شود که مواد کم شده حب سعال حابس اگر شد جایز است و گاه باشد که سرفه از کثرت خون باشد

### علاجش

منحصر در فصد اکحل بود اگر فصد نکنند منجر شود به سل یا ذات الریه و بدانکه سرفه را هر چند که ماده بلغمی باشد آن ماده بلغم کم است که بی‌حدتی باشد پس اصلاح حدت او باین شربتها و عرق و بزرقطونا باید کرد بتخصیص در باب اطفال که مناسب مزاج ایشان است سکر العشر قدری با شیر آمیخته بدهند که مفید است و گاهی که کثرت بلغم ظاهر باشد قرنفل و وج و نانخواه و نمک هندی نازک سائید و بوزن برنجی باطفال می‌دهند یا در آب حل کرده قطره در گلوی اطفال می‌چکانند و گاهی قطره از شراب هم جایز است در حلق اطفال چکانند

## ربو

### اشاره

مرضی است که صاحب آن نفس بطریق کسی می‌کشد که از پستی به بلندی می‌رفته باشد و گاهی نفس او متضاعف باشد مثل نفس طفلی که گریه می‌کرده باشد و تنگی نفس در اکثر اسباب مادی شریک است و این مرض کمتر علاج پذیرد خصوصا در جوانی و گاه بااستسقا انجامد و این مرض بمیراث نیز شود گاهی شدت کند بنوعی که خوابیدن اصلا نتواند و سبب این علت آن

باشد که سینه و سایر آلات نفس تنگ آفریده باشد چنین کسی را بود که در پانزده سالگی بود هم قویست

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۲۴

و یا رطوبت غلیظ بود که راه نفس را تنگ کند و این رطوبت یا در ریه باشد و یا از عضوی دیگر می‌آمده باشد مثل دماغ و معده و گاه از اورام بهم رسد که مجاور ریه باشد و از بخارات بهم می‌رسد و گاه از خشکی مجاز و آلات بهم می‌رسد و سبب این خشکی گاه سردی بود و گاه گرمی و مرا این چند سال بود از کثرت مرطبات زائل شد خصوصا عرق نیلوفر و چون پیش ما گرمی و کثرت فربهی نیز گاه باعث این مرض می‌باشد

## علاج

آنکه خلقی بود نتوان کرد مگر آنکه از هواهای سرد استنشاق کنند و آنچه از رطوبت غلیظ بود اول نضج باید داد و بعد از نضج مسهل باید داد و بعد از تنقیه ریاضت باید فزودن اما نضج بطبیخ زوفای که بنفشه و خمیره بنفشه و اصل السوس و پوست بیخ رازیانه و زراوند و فراسیون و مویز و انجیر پخته باشد باختلاف اوزان بتدریج بیاشامند که بمرور خود تاثیر در آلات نفس کنند بمجاورت و در اوائل نضج سکنجین عنصلی نیز جائز است اما مسهل ایارج فیکرا و ایارج جالینوس مقوی بغاریقون و شحم حنظل بیاشامند مناسب است و دواء التربد نیز مناسب بود مقوی بزنجبیل و فلفل و اما ریاضت بمشی و کشیدن کمان نرم و آواز باعتدال بعد از آنکه سینه و بدن را بروغن گل و بادام و بابونه و مثل آن چرب کرده باشند و غذا نخود آب باشد که بگوشت کبک یا دراج یا خروس و امثال آن پخته باشد و ابازیر ملطفه در آن پخته شده باشد و قیح را باید دفع کردن بطریق ادرار اگرچه از راه درونه قلب مرور می‌کنند از راه شریان وریدی و لیکن از آن خطر نبود که در طبیعت ازین قبیل عجایب بسیار است و طیب نادان بترسد و مریض هلاک شود و زراوند مدحرج و تخم انجیره و قردمانا و فلفل و بادام تلخ و حب الرشاد و زوفای خشک و پرسیاوشان از هر یک دو درم رب سوس چهار درم نازک بکوبند و با عسل کف گرفته معجون ساخته هر روز سه درم یا چهار درم

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۲۵

از آن بخورند و عقب آن خمیره بنفشه در آب گرم حل کرده بتدریج بیاشامند که رطوبت و قیح و مده دفع کند و در غلبه رطوبات معده نیز مفید است و قیء نیز اگر کنند نافع است و علاجات باقی اقسام بدفع سببهای آن کنند

## نفث الدم

گاه باشد که چون آب دهان اندازند خون آید و اغلب آن خون از دهان باشد و از بیخ دندان و گاهی به تنحنح آید پس از سر تا ناحیه حلق آید و گاهی به تنحنح آید پس از فضای دهان و اقصای حنک و لهاة و لوزتین و اعالی قصبه ریه آید و گاهی بطریق قیء آید پس از مری و معده و کبد بود و گاه بسرفه آید و این بدترین اقسام است که از راه دندان آید دلالت کند بر آنکه از سینه یا از شش خونی می‌آید و علاج کم پذیرد و علامت هریکی ظاهر است و در علاج نفث الدم که از دهان و حلق و حنجره و حوالی آن بود فصد چهار رگ و سنونهای مقوی لثه و مضمضها و غرغره‌ها که در تقویت دندان مذکور شد و علاج ربو و نزله که گفته شد کافی است و در

## نفث مده

## اشاره

که از این اعضا بوده باشد نیز علاج خوب است با علاجات جراحات لثه و دهان که مذکور شد و در غرغره و مضمضه اندکی از زاج سوخته و مازو و گلنار باشد و آنکه از معده و مری و کبد بود اکثر آن بسبب خوردن داروهای گرم مثل جوزبوا و بسباسه و فلفل و یا خوردن غذاهای گرم مثل سیر و خردل و امثال آن باشد و ما درین باب اگر در اوائل معلوم شود اکتفا می‌کنم بر آنکه دو مثقال بزرقطونا را پخته و خشک کرده با شیر تخم خیارین ده مثقال و شربت انار شیرین یا میخوش دو مثقال ممزوج ساخته می‌دهم و اگر احتیاج شود خیلی از کافور می‌دهم و گاهی شیر بادام نیز اضافه می‌کنم و گاهی تخم خربزه نیز ممزوج می‌کنم با تخم خیارین و بغایت نافع می‌آید و غذا آب هندوانه باندک نبات باشد و اگر کافی نباشد پالوده

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۲۶

با شیر بادام می‌دهم و روغن گل بر معده و جگر می‌توان مالیدن و اگر باعث آن ضربه یا سقطه یا ضغظه باشد اگر جراحی قروح باشد یا ناصور شده باشد در معده

## علاج

آن بادویه قروح معده و انخراق کنند چنانچه در باب خود بیاید و معجون قابض یا قرص شادنج یا اقراص کافوری گل را درین باب نفع عظیم است و یا قوتی معتدل و یا قوتی بارد ماء درین باب نافع است و گاهی بتریاق فاروق و مثرودیطوس حاجت افتد اگر قوی ضعیف شده باشد در اقسام قی الدم یا برودت باشد قنطوریون در آب پخته بدهند با پیه (مایه) خرگوش با آب بادروج و آب زوفا و حاشا جایز است و اگر بعضی خون منجمد شده باشد تلطیف آن کنند اولاً بماء الاصول و بعد از آن قیء نیز فرموده علاج کنند بطریقی که گفته شده در نفث الدم و نفث مده و آنچه از قرحه صدر یا ریه باشد علاجش در باب خودش بیاید

## ذات الجنب

### اشاره

ورمی بود یا جراحی که عضلات که در میان استخوانهای پهلو است پدید آید و یا در پرده که جانب درونی این استخوانها کشیده شده باشد و قسم اول هم از خون پیدا شود و باشد که صفرا بسیار باو آمیخته شده باشد و گاه باشد که از رطوبت بلغمی و سوداوی که به آن آمیزد ازینجهت ذات الجنب بلغمی و سوداوی گویند و الا اصلش همه خون تیز است قسم دویم اغلب از خون تیز صرف یا خون صفراوی حادث شود و نشاید که بلغمی یا سوداوی و به آن یار شود چه آن پرده بغایت سخت بود و بلغم و سودا در آن نفوذ نتواند کرد الا نادر قسم اول اگر چنان باشد که در حس تیر ظاهر شود بلندی و برآمدگی و سوزش و سرخی موضع و در همه نوع ذات الجنب تنگی نفس و سرخی رو و تب و درد پهلو و نبض منشاری و سرفه لازم بود بتفاوت و اگر غلبه خون بود

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۲۷

و این علامت اظهر باشد و آنچه نفث دفع شود مایل بسرخی و در صفراوی مایل بزردی و در بلغمی و سوداوی این اعراض بشدت نباشد و تنگی نفس در قسم دویم بیشتر باشد و صاحب این مرض بر پهلو خواب نتواند کرد و خصوصاً بر پهلو که ورم در آن باشد و در قسم اول علامات بیشتر باشد و در قسم دویم منشاری نبض و اگر ماده این مرض در اعصاب در آید اختلاط عقل و هذیان و اعراض سرسام حادث شود

## علاج

فصد باسلیق یا اکحل کنند و اگر قوت وفا نکنند بیک بار خون بسیار دفع نکنند که گاهی احتیاج بفسد دویم می شود مبادا که در فصد اول آن قدر بی قوت شود که فصد دیگر نتوان کرد و فصد اول روز سوم مرض اگر کنند بهتر است و اولی آنست که فصد اول صافن جانب موافق کنند و فصد دویم باسلیق جانب مخالف و فصد سوم از اکحل مخالف با قیفال و غذا ندهند الا آب جو و شربت نیلوفر که در آن عناب و سپستان پخته باشند و لعاب بزرقطونا بدهند با شیر تخم خرفه هر گاه تشنه شود و اگر طبیعت بسته بود آب جو مناسب نبود بلکه شیر خیار چیز صاف کرده با لعاب بزرقطونا و لعاب تخم به شیرین ممزوج کنند و نیک بدست بزنند و لعوق کند بجای آب که هم شکم نرم کند و هم سینه را و هم نفس کشیدن آسان گردد و چون طبیعت بجای خود باز آید باز آب جو و شربت نیلوفر دهند و اگر ماده بنفث دفع می شده باشد و تپ کم شده باشد جائز است که ضمادات بر موضع ورم نهند بتخصیص در قسم اول که ورم نیز ظاهر است باید که نضح دهند و این ضماد مناسب است بگیرند خیارین برگ بنفشه بجوشانند و اندکی خطمی تر در آن ریزند و بدفعات ضماد کنند و بعد از آن که مواد دفع باید به آرد جو و خطمی و برگ بنفشه که بگلایب و آب عنب الثعلب و آب کشنیز نرم نرم کوفته باشد ضماد کنند و درین قسم گاهی احتیاج افتد

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۲۸

که محجمه بر موضع الم بماند و ماده را در همین جا صرف کنند و به پزانند یا بشکافند و از همین راه دفع کنند تا مرض به سل نانجامد و و اما او را در راه رفتن کجی در پشت ظاهر شود و گاهی درد پهلو حادث شود و در روزهای بحران مثل چهارم و هفتم و یازدهم و چهاردهم اگر دوا بر نهج مستقیم باشد غذا و دوا ندهند و اگر مرض دیگر نیامیزد مثل شوصه و غیر آن و یا تب دیگر با تب او مرکب شود و ایام بحران هر دو مختلف شود ضابطه آن را نیکو نگاهدارند و یکبار حکم برداءت بحران بکنند و در آن روز بحران غذا و دوا منع کنند و از شدت و فتوریت توان استدلال کرد که کدام خلط یا ماده این مرض آمیخته است تدبیر بر طبق آن کردن و اگر در آن اول نفث مده شروع کنند دلیل آنست که زود بصلاح آید و اگر بعد از فصد نفث کمتر شود رعاف یا ادرار بول یا عرق شود بسیار نترسد که گاه باشد که طبیعت مدد کند بقیه ماده را از راههای مختلف دفع می کند باید که درین مرض بر حذر باشد از معالجه که مرض خطیر و استدلال از علامات نیک و بسیار کنند چنانچه سلامت بودن حواس و برجا بودن عقل و طلب غذا اگر چه تفاوت بود دلیل خوبی است و اگر گاهی خواب کنند و حرکت چشم بطریق اوقات سابق بود تب اگر فتور گاهی پیدا کند بغایت خوب است علی الخصوص سر بینی اگر خشک و لاغر شده باشد و چند این حالات و هذیان و سیاهی بسیار بر زبان و کثرت آب در دهان و مالیدن لب برهم و بوی زنگ آهن که از وی آید و ضعف قوت و رفتن آب چشم و کمی رونق چشم و حرکات عبث به ابروی خود و ریش خود که گویا خاشاک می چیند هر یکی ازین علامات بد است و اگر بعد از فصد و تدابیر ماده به ریه آید و بطریق نفث دفع می شده باشد مدد کنند بشربت بنفشه که با قند سفید پخته باشند

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۲۹

و ماده این مرض که پخته شده باشد و بشش درآمده بزود دفع نمی شده باشد دلیل است که بسل انجامد درین وقت شربت زوفا با ماء العسل می دهند اما ملاحظه اولی است و اگر احتیاج بحقنه معتدل شود در آخرهای این مرض توان کرد

## ورم الثدی

در اوائل اورام پستان صندل و جوز القیء و حنا بسایند به آب ورق عنب الثعلب و طلا کنند که ردع بقوت می کند در اوسط نضح ببرگ گل خطمی و امثال آن دهند و اگر حاجت افتد ضم کنند با مرهم اشق که زود نضح دهد و در اواخر شکافتن لازم است و علاج بمراهم و روغن جراحات کنند

## هیضه

در هیضه مدار بر تقویت اعضای رئیسه نهند و عطریات استعمال کنند گلاب گرم یا سرد بخورند و بپویند و در اول قبض نکنند معجون عطائی معجون بزور بعد از نقاء معده بدهند و با گلاب یا عرق کاسنی و عرق بادیان و تریاق یا مژودیطوس در اواخر بدهند و مدرات و مفتحات نافع است

## تهیج اطراف

بدانکه شربت زرشک و قرص زرشک و آتش زرشک را در تهیج اطراف که از ممر ضعف کبد باشد نفعی عظیم است هر روز یک مثقال از قرص زرشک با سه مثقال از شربت او و عرق کاسنی بخورند و کذلک عرق چوب چینی که نسخه آن در مرکبات نوشته شده و تقویت مزاج در اوایل بیاقوتی و قرص عنبر بکنند و تحلیل باقی ماده بکامادی که در مرکبات گفته دخلی تمام دارد و عمده تقلیل غذا است و گاهی که از کثرت رطوبت تهیجی در اطراف بتخصیص در روی بهم رسد بخار تخم شبت نیم کوفته و برگ سنبهالو و برگ چولائی نافع است و اجتناب از مرطوبات و زمین نمناک و مالیدن روغن بابونه را درین باب دخلی عظیم است

## ذرب و زلق المعده

مرض مهلک است بتخصیص چون کهنه شود معجون مخلصه کهنه که خوب ساخته باشند چند روز

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۳۰

مداومت کنند که از آن انفع دوائی دیده نشده و چند کسی که مرض آنها بشدت انجامیده بود نجاج یافتند معجون تخم خردل سفید تخم تره تیزک و تخم ریحان اسبغول تخم مر و نار بارتنگ مشک تخم خشخاش سفید هر یکی دو درم جمله بریان کنند مصطکی سعد کوفی قصب الذریره انیسون هر سه درم و بادیان دو درم این اجزاء بکوبند با تخم‌های ناکوفته جمع کنند و ازین مجموع هر روز یک مثقال تا دو مثقال تناول کنند نافع است جهت ذرب و زلق الامعاء و اسهال معدی در خلوت معده

## فواق

فواق را خائیدن زیره کرمانی نافع است و کذلک معجون کمونی و نیز مصطکی و آب نعنای نافع است و اگر عود هندی را بسوزند و بعد از آن بسایند و با غسل آمیخته بخورند فواق ضعیف را زود زائل کند انیسون نیمکوفته زیره نیمکوفته آب نعنای هر یکی یک مثقال در سی و شش توله آب بجوشانند تا برقع آید بطریق تجرع آشامیدن جهت فواق صلب نافعست روغن بید انجیر ضعف الکبد را بغایت نافع است و همچنین سوزش کف پای که از ممر ضعف باشد شربتی سه درم

## ضعف الکبد

کسی که بقصد قتل خود افیون بسیار خورده بود بعد از آن سده عظیمی در ماساریقای او بهم رسیده و ورم سخت نواحی کبد و شکم و معده ظاهر شده و قوی بغایت ضعیف و مشرف بر هلاک بود چای خطائی جوشانیده با و مکرر داده شد نفعی عظیم یافت

## ورم رحم و معده

و ورم رحم و معده شیر شتر دو سیر شیر گوسفند کوهی دو سیر کف مستی (شتر) قدری روغن بید انجیر یک سیر زنجبیل نانخواه

هر یکی سه توله پخته بر شکم مالیدند خوب شد تفصیلش آنست که زنی را ورم در شکم و رحم و حوالی معده پیدا شده بود بنوعی که نفس کشیدن برو دشوار بود و معالجات نافع نمی‌آمد شیر و شیر گدمی (گدها) و روغن بید انجیر را با آتش آهسته آهسته جوشانیدند چندان که غلیظ

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۳۱

شد و زنجبیل و نانخواه را بغایت نازک سائیده و آن را از آتش فرود آورده برو پاشیدند و خوب مالیدند مثل مرهم شد و بر شکم آن زن بمالیدند بعد از اندک زمانی اطلاق شد و مواد فاسد بسیار دفع شد روز اول کف دهان شتر نیافتند بعد از آن که یافتند اول آن کف را بر شکم مالیدند و دیگر این مرهم را و این معجون حصه یک روز است و این دوا را از بسکه غریب بود نوشته شد این عمل مکرر مجرب و صحیح برآمد شیر شتر سه پاؤ و شیر گدهی سه پاؤ تیل از تدی سه پاؤ چندان بجوشانند که یک پاؤ بماند با آتش آهسته و نانخواه و زنجبیل را هر یک پنج درم بغایت بسایند باقی بحال خود آنست کف مستی شتر اگر باشد اول بمالند و بعد از آن ادویه را و الا فلا رچی حال اتیل رتن جوت هم گویند این داروها هم داخل است

### اسهال کبدی

و جمیع اسهالات بتخصیص درین زمان تا مردم بپجزهای گرم مداومت می‌کنند احتیاط تام باید کرد که اخلاط بدن مریض را حدت و لذع کم شود که اکثر اسهالات را بتعدیل اخلاط و اطفاء حرارت و ترطیب مزاج مداوا می‌کنم و موافق می‌آید و متوجه قبض و تلین کم می‌شویم و اکثر را تلین بمضطبات می‌کنم و بدانکه کم اسهال باشد که کبد را به آن شرکتی نباشد و اطبای زمان تا وقتی که پرچها و جگر درست دفع نشود نمی‌دانند که اسهال کبدی است و حال آنکه اکثر مرار از کبد دفع می‌شود و ما همین که حدتی در اخلاط یافتیم و دفع مرار و حرارت ملمس و تشنگی البته شیره تخم خیارین و خمیره بنفشه می‌دهم و بجای غذا آب هندوانه بافراط می‌دهم و گاهی دوغ شیرین می‌دهم و موضع کبد را به روغن بادام که کافور در آن حل کرده باشند چرب می‌داریم بعد از آنکه حدت اخلاط کم شد اندکی

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۳۲

اندکی از قوابض می‌دهم مثل تخمهای بریان کرده در گلاب و معجون قابض و امثال او زود شفا می‌یابد اسهالی که خون و صفراء سوخته و سودای بسیار دفع می‌شده باشد نقیع هلبله هفت مثقال می‌دهم با ریوند چینی یک مثقال چند مجلس و پیچش و تب هم باشد و بول گرفته و سوزان باشد دفع می‌کند بعد از آن تریاق خاصه قلیلی می‌دهم با یاقوتی سرد خاصه و معتدل و معجون لبوب بارد قوی تا دفع سده کند بول براند و حدت مواد کم شود و قوتی حاصل شود و تب کم شود بعد از آن تلین می‌کنم بمزلاقات مثل بنفشه و خمیره بنفشه و پوست بیخ خطمی و امثال و باز سفوف قابض همراه یاقوتیها می‌دهم

### ذوسنطاریای کبدی

در اوایل اسهالی که گمان شود بشرکت کبد خواهد بود و کهربا و صندل البته می‌داده باشند و صندل سرخ و سفید و زرشک منقی و آب برگ تاک و آب عنب الثعلب و آب بهی و آب سیب اگر نباشد آب برگ اینها هم خوب است آرد جو کافور طباشیر بر موضع کبد طلا کنند نافع است در اسهالی که خون و صفرا سوخته و سودای بسیار دفع می‌شده باشد و پیچش و تب هم باشد و بول گرفته و سوزان باشد نقیع هلبله می‌دهم با یک مثقال ریوند چینی چند مجلس دفع می‌کند بعد از آن تریاق خاصه قلیلی می‌دهم با یاقوتی سرد خاصه قلیلی می‌دهم با یاقوتی معتدل و معجون لبوب بارد قوی تا دفع سده کند و بول براند و حدت مواد کم شود و قوتی حاصل شود و تب کم می‌شود و بعد از آن تلین می‌کنم بمزلاقات مثل بنفشه و خمیره بنفشه و پوست بیخ خطمی و امثال اینها

و باز سفوف قابض می‌دهم همراه یاقوتیها و در بسیاری از اسهالات چنان باشد که صفراء بسیار در معده و امعا باشد و نفخ بسیار باشد و اندک اندک دفع می‌شده باشد و درین باب نقیع پوست هلیله با شربت

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۳۳

ورد مکرر بغایت نافع است و بطریق عصر دفع ماده مرض می‌کند و نقیع پوست هلیله با ریوند چینی بهتر است و باید که پوست هلیله را شب در آب تر نمایند و صبح اندکی بجوشانند و الاقوت او کم باشد در اسهالی که یک سال کشیده بود و به ذرب منجر شده و هر روز زیاده از ده بار اطلاق می‌شد و اطبا هم مایوس شده بودند یک مثقال تریاق فاروق دو ساله دادیم که هر روز یک دانگ بلکه کمتر با گلاب بخورد روز اول نفع ظاهر شد بهمین یک مثقال صحت یافت غذا جو آب با مرغ دادیم و عرق بیدمشک و عرق کاسنی گاهی جهت رفع عطش می‌دادیم درین باب قیصوم بوی مادران جوشیده بغایت نافع است در اسهالات تأمل باید کرد زود قابض نباید دادن که اکثر از واسطه دفع می‌باشد که طبیعت می‌کند بتقریب کثرت مواد و اگر حبس شود در غیر وقت مریض هلاک شود پس بعلاجات بشناسند که ماده از کجا دفع می‌شود و چه جنس ماده است و کثرت و قلت ماده معلوم کنند و حدت و عذوبت اخلاط خوب معلوم کنند که امری عظیم در اکثر علاجات اسهالات آنست که حدت اخلاط را کم کنند و این معنی در شیر خرفه و شیر خیارین و خمیره بنفشه و بزور لعابیه مثل تخم ریحان و بزرقطونا و تخم مرو و تخم لسان الحمل متحقق است و در اسهال معدی جوارش مفید است و در معائی معجون قابض و سفوف ذوسنطاریا علامت نیکو در اسهالات بحال خود بودن میل طعام و قلت تشنگی و نبودن بوی بد و هشیاری مریض و هوای سرد معین است بر علاج اسهال بسیار بود که اسهال از کثرت مواد بتخصیص در معده و امعا بهم رسد یا ثقلی محتبس شده باشد و طبیعت برای دفع آن متوجه شده باشد با بلغم بورقی با لزج چسبیده باشد پس بهتر آنست که اول تخم ریحان یا بزرقطونا در گلاب شیر گرم یا آب بدهند اگر زود دفع

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۳۴

نشود معلوم می‌شود که احتیاج بملینات واقع است و اگر قابض دهند بیمار هالک شود و اگر زود دفع شود در اکثر مواد چنان باشد که قابض باید دادن بحسب مزاج و تفصیل آن مذکور است اما این تجربه در باب اسهال کبدی نافع نیست بسیار باشد که درینها ماده نباشد و از کبد دفع می‌شده باشد حابس دهند بی‌آنکه اصلاح مزاج کبد کنند و مریض هلاک شود لازم بود و درین وقت تقویت و تبرید کبد و ما حکایتی نقل کنیم که دستور بود مبتدی را در معالجه اسهال کبدی جوانی بود در اواخر شباب اسهال صفراوی مکرر کشید و بمداوات نیک شد بعد از آن عود کرد صفراء کرائی و زنجاری ازو واقع می‌شد قریب بیست نوبت در شبانروزی و تب می‌کرد چون مشاهده احوال شد و معلوم شد که این بر کبد گذشته و تب از آنست زود جرم کبد را ضایع خواهد ساخت ما بافراط کافور در روغن گل با روغن بادام حل کرده بر کبد می‌گذاشتم چنانچه قریب به پنج مثقال کافور باین طلا صرف می‌شد زود زود رنگ خون با مدفوع می‌آمد و شربت از خمیره بنفشه و شیر تخم خیارین باندک خرفه می‌دادیم حدت ماده با آنکه کم شد اما از غایت حدت معاء مستقیم مریض مجروح شد چنانچه صهروج بسیار اندر مدفوع دفع می‌شد بعد از آن از جرم معاء مستقیم هم دفع می‌شد چنانچه بر پرستاران و سایر هم صحبتان ظاهر بود و درین اثنا وجعی عظیم در مقعد و حوالی آن پیدا شده بود چون دفع و میل ماده را به آن طرف معلوم کردیم خون کشیدن از آن حوالی مناسب نمود و پنج زلو چسپانیده شد بعد از آن نیز از جراحت خون بسیار رفت و غذاء و طلاء او بقاعده بود در روز دیگر خفت در همه عوارض شد و در روز بعد از خون کشیدن ریختن صهروج و ریختن جرم معا رنگ خون بالتمام

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۳۵

برطرف شد و اسهال نیز تخفیف یافت اختصار کردیم به آنکه تقویت کنیم پس نیم درم یاقوتی معتدل و نیم درم یاقوتی سرد مخلوط کرده می‌دادیم که بتجربه معلوم بود که قبض می‌کند و غذا مزوره ماش و برنج بود یک هفته بر همین منوال بعد از خون

کشیدن سلوک کرده شد مریض صحت یافت و این از جمله نوادر معالجات است

## علاج زحیر

بگیرند تخم ریحان و تخم مر و تخم لسان الحمل بزرقطونا تخم تره تیزک خردل خشخاش از مجموعه یک مثقال تا دو مثقال بریان کرده و غیر آن نافع است پیچش و مغص را بتخصیص بلغمی مزاج را چهار تخم را اول فرداً و مجموعاً برای امتحان در اسهالات باید داد اگر زود دفع شود در مجاری امعا ماده ساده هست و الا نیست تخم ریحان تنها در گلاب نیمگرم بخورند اسهالی را که از حدت ادویه گرم باشد نفع می کند یکی از اطفال اهل دولت را اسهال دموی عظیم حادث شد بسبب کثرت ادویه حاره که خورنده بود و علاج به نیلوفر و بنفشه و عناب و لعاب چهار تخم کردیم اگر احیاناً اندکی قابض داده می شد آن روز مرض اشتداد می کرد و در آخر بهمان لعاب بزور اکتفا کردیم و روز آخر بزور را بریان کرده لعاب آن دادیم و غذا دوغ بود به اندک برنج ساده دستور بیاید دانست که در زمان ما بسیاری از مردم به افیون و افیونیات معتاد می شوند چون اسهال پیدا می کنند می میرند و خلق در علاج افیونی مایوس مطلق اند و علاج چند استخراج کردیم چندی را که زیاده از دو مثقال سه مثقال معتاد بوده اند علاج کرده ایم اول زنی بود از اشراف که اسهال دم پیدا کرده بود و قبل ازین چند سال تریاق فاروق بنا بر خطاء طبیب بسیار خورده بود چون تفرس بر حدت و لذع اخلاط بدن او کردیم شیره تخم خیارین فرمودیم با بزرقطونا بتکرار از دو سه مرتبه شفا یافت و افیون هر روز

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۳۶

زیاده از چهار مثقال بود دیگری از رجال که زیاده از بیست سال افیونی بود اسهال دم و بلغم داشت و چندین روز بر آن گذشته بود و ضعف در نهایت شدت و عطش و عسر بول به آن یار شد شیره تخم خیارین با بزرقطونا دو نوبت دادیم در هر دو نوبت زود نفع می شد نوبت ثالث یک درهم قرص کافور را اضافه نمودیم شفا یافت و از روز اول علاج ثلث معتاد را منع کردیم بدو ثلث اکتفا فرمودیم و بعد از یک هفته تجویز نمودیم که افیون را بدستور سابق می خورده باشد و دیگری را از افیونیان که خیلی افیون می خورد و اسهال دم و زحیر و پیچش داشت دو نوبت تخم ریحان با گلاب گرم کرده دادیم و دو مرتبه جوارش خوزی و چهار مرتبه معجون قابض تا که بافیون معتاد مخلوط کرده می خورد و هر روز یک مثقال و نیم این ضوابط را دستور العمل کرده می توان استخراج حیل درینباب کرد و عمدتاً در ادویه این باب بلکه در همه اسهالات فرق کردندست که لذع اسهالات در اخلاط بسیار نیست یا هست اگر هست شیره تخم خیارین را با خمیره بنفشه می دهم عجیب نافع است یکی را از افیونیان اسهالی عظیم بمشارکت طحال و با سحج امعاء دقاق و تزرع عظیمی با سائر علامات هایلله بود اول تلین کرده شد به بنفشه و عناب پوست بیخ خطمی و خمیره بنفشه سه روز هر صبح این تلین داده می شد و آخر روز یک دانگ داروی سرفه قوی که مرکب است از مر و میعه و زعفران و روغن بلسان و افیون داده می شد یک مثقال مفرح بنکیان و چهارم و پنجم روز دو مرتبه این دارو داده شد کهربا یک دانگ گل مختوم دو دانگ خون سیاوشان یک دانگ گل ارمنی یک دانگ صمغ عربی محمص دو دانگ بزرقطونا که بروغن دیودار چرب کرده باشند یک مثقال با عرق لسان الحمل داده شد حقتعالی

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۳۷

شفا بخشید پرهیز بسیار ندادیم دستور اگر مواد محترقه و صدیدی و مختلف و خون فاسد باشد در اسهال و خواهی که دفع کنی بگیر هلیله کابلی و در زیر خاکستر گرم کن تا بریان شود و از پوست آن هفت مثقال بگیر و خشک کن و نیمکوب کن و در آب بگذار یک شب و سحر دو سه جوشی خفیف بده و به دست بمال و صاف کن و بده که بسیار نافع است اکثر ذکر ادویه و اغذیه که نافع است در اسهال مجملاً شیره خرفه بریان کرده و غیر بریان کرده و گل مختوم گل ارمنی و صمغ عربی گلنار طرائث رب به انار رب ریاس شربت انجبار قرص کهربا قرص کافور قرص طباشیر ممسک یا قوتی بارد تنها با معتدل ممزوج چهار تخم خمیره بنفشه



تخم خبازی تخم خیارین سفوف قابض معجون زجر تریاق فاروق معجون لبوب بارد اطریفل مقل تفاح دوغ ترش شیر شتر پنیرمایه شربت فواکه سفوف مقلیانا معجون انیس جوارش خوزی جوارش جالینوس پنیر کهنه بهمن پوست پنج انار ترش هفت دانه معجون فنجیوش تخم بهی دو مثقال بریان لعاب آن بگیرند و یک مثقال تخم ریحان و یک مثقال صندل در آن انداخته بیاشامند بغایت نافع عظیم مبارک در حبس خونی که از امعاء باشد اسهال با ورم معده در نهایت حدت ماده مردی افیونی را عارض شد و ورم نزدیک به انفجار رسیده بود و وقت فصد نبود و احتیاج امعا نیز بود و ضعف در نهایت و عطش بود گاوزبان خوب نیم مثقال بادرنجویه ثلث مثقال بنفشه یک مثقال پوست بیخ خطمی یک مثقال نیلوفر عناب دوازده دانه خمیره بنفشه قرص عنبر محلول در گلاب صاف کرده به آن جوشیده می‌دادیم اگر چه چند پارچه اثنا عشری او جدا شده می‌ریخت اما همه عوارض او برطرف شد و جراحی متقیح گشت

### بواسیر

اگر خواهند بواسیری را

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۳۸

مسهل دهند این دارو بدهند پوست هلیله یک مثقال بادیان نیم مثقال تخم کاسنی یک مثقال تخم کرفس نیم مثقال و این مجموع یک شربت است و کم زیاده هم می‌توان کرد نافع باد دوائی که بهندی آن را بندار تلخ گویند که بغایت تلخ است بسایند آن را قریب دو مثقال بغایت نازک سائیده بر پنبه ریخته نزدیک مقعد بدارند زمانی که چون بوی رسد دانه‌های بواسیر بیرون آیند و در یک هفته متعفن شده برطرف می‌شود و اگر اندکی بر موضع بواسیر رسانند قویتر عمل کند اما از ورم و وجع مقعد بغایت سخت کشید تلافی آن بروغنی که برنج در آن پخته باشند کنند و تقویت قلب و دفع اذیت آن بتریاق و مشرودیطوس و مفرح یاقوتی عرق بیدمشک و گلاب و دواء الملک و امثال ذلک کنند و در استعمال این خطر است جز مردی ضعیف مزاج و پیر تاب نخواهد آورد و لیکن در دفع بواسیر بی نظیرست و کذلک بگیرند سک که سم الفار باشد و بسایند و در شیر خر بجوشانند و در وقت سائیدن و جوشیدن از غبار و بخار آن ملاحظه کنند و بعد از آن نگاه دارند و محجمه بر مقعد نمایند تا دانه‌های بواسیر بیرون آید مقدار نصف نخودی بر سر دانه بواسیر بمالند و احتیاط کنند که بجای دیگر نرسد آن دانه دراز می‌شود و هر روز یک مرتبه بمالند بر دانه بواسیر که در دو هفته یا سه هفته دراز می‌شود و تنه آن باریک و خشک می‌شود و می‌افتد بغیر اذیت و تقویت دل و دماغ با ادویه که گفتم می‌کرده باشند اگر همه دانه‌ها را یکبار علاج کنند بهتر است این هر سه علاج مجرب است لیکن بملاحظه باید علاج کردن و در بواسیر خونی مجرب شده و در غیر آن بطریق اولی و انفع خواهد بکردن اینجا درین فصل همین ده علاج است

### اسهال بواسیر

این اسهال معده را ضعیف می‌سازد و نفخی احداث

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۳۹

می‌کند در حوالی آن و بسیار مشتبه می‌شود بدور البطن و ملاست معده در جساوه بعضی از اجزای معده و عضلات که بر آن موضع است گاهی حادث می‌شود و به این علت کهربا نیم مثقال گل مختوم نیم مثقال دواى هندی که انیس نامند نیم مثقال بغایت نازک بسایند و سفوف سازند در حبس ورم بواسیر نظیر ندارد این یک شربت است سه روز متوالی دهند معجون خبث الحديد کهنه بغایت نافع است و کذلک اطریفل مقل کهنه و اگر خواهند که مسهل دهند نقیع هلیله خوب است دوائی که در فصل گذشته مذکور است خوب است و نافع است و گاه ورمی یا جراحی درون مقعد پیدا می‌شود و بغایت موجه می‌باشد و اسهال خون آورد این دارو

بدهند بنفشه دو توله بابونه اکلیل الملک حله تخم کتان برگ خطمی از هر یکی دو توله گل خطمی گل سرخ هر یکی یک توله نیم کوفته کرده بجوشانند که چون خمیره گردد هر روز دو سه مرتبه به بندد بغایت گرم گرم به بندند و در باب حبس خونی که از بواسیر رود اول صبر باید کردن تا چند روز خون برود و زود حبس نکنند بعد از آنکه بسیار رود و ضعف در زانو پیدا آید در آن وقت حبس بکنند بدین طریق اطریفل مقل هر چند کهنه باشد بهتر بوزن دو مثقال و هموزن آن داروئی که از ترکستان می آرند گمان آنست که پوست درونی دفلی باشد و آن را طفاح گویند بترکی و بغایت نازک بسایند و با اطریفل مقل بمالند هر روز مقدار یک مثقال بخوراند که در دو سه روز یا یک هفته می بندد و ان شاء الله تعالی بغایت معجب است و سالها برین عمل کردیم و در بعضی از سفرها که این دوا حاضر نبود برای حبس این دم بواسیر تریاق فاروق که خود ساخته ایم دادیم یکبار خوردند حبس کرد و احتیاج بتکرار نشد مقدار

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۴۰

آن یک نخود تا ده دانگ تا نیم مثقال است بتفاوت مزاجها بغایت نافع و معجب است در

### خروج مقعد

این دارو بی نظیر است سنبل گزمازج گل سرخ فوفل عفص هر یکی دو وقیه ابهل چهار وقیه اذخر یک وقیه مر مکی و سماق هر یکی نیمکوفته در ظرف آهنین بجوشانند و در آب آن نشینند و به آب استنجاء کنند و بعد ازین این دارو بر مقعد بپاشند اسفیداج و اثمده هر یکی یک توله ابهل دقاق کندر هر یکی هفت مثقال عفص پنج مثقال شب یمانی نیم مثقال بغایت نازک بسایند و ذرور سازند

### علاج ورم مقعد

بابونه اکلیل الملک تخم خطمی بنفشه حله تخم کتان افیون مقل اشق روغن گل هر یکی مثقال زرده تخم مرغ یکی محلب یک مثقال ادویه را بکوبند و بجوشانند تا مثل خمیر شود و مقل و اشق و افیون در آب حل کرده به آن خلط کنند و روغن و زرده تخم مرغ اضافه نموده و گرم گرم بر ورم مقعد که بطئی النضج باشد بواسیر و غیر بواسیر ضماد کنند بغایت نافع است

### بول الدم

هر بول الدم و مده و سوزش که کهنه شده باشد زلو بچسپانند بالای زهار و پایان ناف که خون بسیار کشیده باشند و فصد صافن نیز بسیار نافع است این سفوف در قروح کلیه و مثانه و جرب آنها که از جرب یا قرحه باشد بغایت نافع است و معجب و آزموده طباشیر یک جزو خرفه سه جزو صمغ عربی دو جزو گلنار دو جزو زرشک بیدانه هفت جزو مامیران یک جزو کنجد سفید پانزده جزو کبریت زرد ده جزو قند سفید بیست و پنج جزو مغز تخم خیارین ده جزو افیون دو جزو ریوند یک جزو بکوبند و به پزند و سفوف سازند هر صباح سه و نیم درم یا پنج درم شراب مفتوح و هر شب دو درم به آب خنک و اگر احیاناً بعد ازین دارو حرارت مزاج بهم رسد بشیر تازه و آب هندوانه اصلاح می کنند

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۴۱

بغایت نافع است در

### احتباس بول

فصد صافن و فصد باسلیق نافع است و گاه باشد که چهار پنج فصد یک روز باید کردن و گل تیسو را گرم به بندند به زهار که بغایت نافع است بتخصیص در حبس بول زنان و همچنین نافع است در ازاله صلابت ورمی که در نواحی زهار زنان پیدا شود و نیز گل تیسو را بجوشانند و آب گرم آن را به آفتابه از بلندی می ریخته باشند انبه رسیده که بوسیده باشد و لایق خوردن نباشد بگیرند و بدست بمالند و آب آن را صاف کنند بمبالغه تمام و در شیشه کرده دارد و اندکی از آن صاحب احتباس بول را بخوراند که فتح عجیب می کند

## سوزاک

قروح مجاری بول که آن را سوزاک می خوانند بمسهلات بارده رطبه مثل آب فواکه مقوی به سنا و خمیره بنفشه نیلوفر و امثال ذلک بنجاح می انجامد و تبرید دوا را دخلی عظیم است درین باب قرص کاکنج اگر اصلی باشد مفید است شوره سفید صاف یک درم سائیده در یک چمچه شیر ریخته بیاشامند و در عقب آن یک پیاله شیر بیاشامند سه روز تا یک هفته بگیرند شیر گاو میش که تازه دوشیده باشد بنوعی که هنوز گرمی پستان گاو میش به آن باشد و قدری نبات اضافه کنند و بیاشامند سه روز یا هفت روز بعضی را زود نفع می کند مقدار شیر نیم سیر تا یک سیر عسل سه توله بگیرند و به آب ممزوج کرده بیاشامند هر صباح بعضی را بغایت نافع است و ایضا سه توله عسل با سه توله تخم کاسنی را شیره بگیرند و مخلوط کرده بنوشند و ایضا تخم کاکنج یک توله ناکوفته با دو توله قند سفید سفوف کنند هر صباح بیست روز علاج سوزاک مجرب است بگیرند زرشک نیم توله و شب در پانزده توله گلاب تر کنند و صبح صاف کرده شیره تخم خیارین یک توله و نبات چهار توله سائیده بر آن

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۴۲

اضافه نموده بیاشامند سه روز این عمل کنند که نافع است

## خیارک

در خیارک اول خون بکشند به زلوی بسیار و اگر بعد آن فصد صاف کنند بهتر است و بعد از آن کافور به آرد در دو مثل آن روغن زرد بفراحت که روغن دیودار باشد حل کرده بر موضع طلاء کنند و درین افراط کنند که ردع کند و اگر دیر خبردار شوند که نزدیک به پختن شده باشد همان خطمی پخته با مرهم اشق خلط کرده گرم گرم می بسته باشند تا پخته شود بعد از آن بشکافند و همان روغن دیودار استعمال کنند تا خوب شود و احتیاط کنند که دهان جراحی زود بسته نشود و درین اورام گاهی توحش و کابوس همراه می شود و به تریاق فاروق علاج کنند و نیز این دارو در ردع بی نظیر است بتخصیص ردع ماده خیارک اگر چه خون بکشیده باشند اگر خون بکشند چندان صبر کنند که زخم زلو خشک شود بگیرند پوست هلیله ده مثقال فلفل دراز یک مثقال نمک دو مثقال بغایت نازک بسایند و با سرکه کهنه خمیر کرده بندند

## اورام الانثین

مرهمی که از لعاب بنفشه و تخم بهی و روغن بادام سازند در جراحی بینی شرح آن نوشته شده جهت اورام انثین عاصی از تحلیل بغایت نافع است

## احتباس حیض

بجهت احتباس حیض پوست انار فوفل طباشیر کاتهه هندی نازک بسایند جدا جدا و همه را بوزن برابر بگیرند از مجموع آن یک

مثقال تا یک نیم می‌توان دادن به آب که حیض به‌بندد و زنی را اجبار کردند بر اسقاط و افراط سیلان حیض بهم رساند سه چهار ماه بهیچ دوا خوب نشد هر روز ده مثقال لسان الحمل را کوفته عصاره آن را در پالوده پخته دادیم باندک روزی شفا یافت بعد از آن هر گاه عود کرد فصد باسلیق کرده باز همین دوا داده شد شفا یافت و اقوی ازین آنست

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۴۳

که مثقال کهربا و یک مثقال گل مختوم را نازک بسایند و در شیر خرفه بدهند هم صباح و هم شام چند روز متعاقب و این دوا مجرب است کهربا گل مختوم انیس هر یکی نیم مثقال سفوف کنند به آب سرد طمٹ را حبس کند اگر کاهو بهم برسد بخورد

### صلابت رحم

در صلابت رحم که بغایت صعب و کهنه باشد اجزای مرهم اشق را در آب برگ خطمی سرخ خلط کنند بعد از آنکه مقل و اشق را در آب خطمی حل کرده باشند و به‌بندند از بیرون و فرزجه کنند از درون و بدین عمل مواظبت کنند که بتحلیل دهد و بعد از آنکه دو هفته گذشته باشد مواظبت این عمل بشیافه که نام آن را شیافه‌الادایه کرده‌ایم واحدا بعد واحد دارند که آب سفید روان خواهد شد و ضماد آن را ترک نکنند تا تمام نیک شود بروز رحم گاهی از اسقطات و گاهی از صدمات که بر کمر واقع شود و گاهی از زور وضع حمل شود در اکثر اقسام بتخصیص آنکه افتاده باشد خریطه بسازند و ثفل روغن دیودار پر نکنند و بطریق قالب بروز اندرون فرستد و روغن گل بر کمر مالند و یکی را واقع شد که افتاد و رحم فرود آمد و از کمر تا پا کوفته شد خریطه ثفل روغن دیودار قالب فرمودیم و بروغن دیودار مالیدن اعضای و بعد از آن به روغن گل برطرف شد باندک روزی و گاهی قالب بر ترک کنند تا پر کنند و به او بسیار مفید است و تقویت دل درین وقت لازم است بیاقوتی یا دواء المسک و شربت گاوزبان و عنبر و امثال آن منع الحبل یک مثقال لک نازک بسایند اگر در طعام پخته بزن دهند هرگز حامله نشود و سه وقیه آب بادروج که تلسی می‌گویند نیز این عمل کند ابهل را بسایند و از حریر بگذارند نیم مثقال از آن بخورند و سه مثقال از نخاله آن بجوشانند و صاف کنند و آن آب را عقب آن بیاشامند که ولادت آسان شود و حیض

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۴۴

براند و قلب قبل از وقت زادن روغن بادام خوردن شروع کنند هر روز یک توله چون در ماه نهم داخل شود از حمل تا وضع می‌خورده باشد فرزجه ذکر آنها ادرت طمٹا کان محتبسا سبع سنین مر فودنج هر یکی چهار درم ابهل نه درم بسداب یابس ده درم زیب منقی من عجمه دو درم یدق و یعجن بمرارة الثور و يستعمل نسخه دیگر همین اجزا غیر از مر است

### جراحات تازه

در جراحات تازه اگر اشق باشد بسیار و احتیاج دوختن باشد اول تنکار بسایند و بریزند و برهم آورد بندند که احتیاج دوختن به او نشود و متصل شود بتخصیص که زخم تازه باشد و اگر زمانی بسیار بر آن گذشته باشد و هنوز خون می‌آمده باشد باز این عمل بکنند و اگر نخراشند و خونی کنند و تنکار پاشند نیز این عمل کند و اگر خون از جراحت رود و بهیچ وجه نایستد دواء الکندر بریزند مکرر و به‌بندند صفت آن ریزه کندر صبر سقو طری خوب افیون مصری نازک بسایند و از دیر بگذرانند و نگاه دارند بنوعی که اثر رطوبت به آن نرسد و هر گاه ضرور شود بعمل آرند و این دوا بغایت نافع است مجروحین بغایت نازک بسایند و از حریر بگذرانند پنج مثقال زرنیخ مثقال صبر سقو طری علک یابس هر یکی دو مثقال دقاق کندر چهار مثقال قلفطار راتینج و زور کنند بر موضع یا بر فتیله برگ کیکر را با زیره سفید بسایند و بر جراحت کهنه بندند پاک و ملتحم شود باذن الله تعالی و در همه اقسام جراحات از کزک باید اندیشید و کزک عبارت است از تشنجی که در دماغ بهم می‌رسد بسبب اذیت عصب بتفرق الاتصال و چون

خواهند که کزک در جراحات حادث نشود دنبه گوسفند که تازه باشد بر آن جراحت بندند و تریاق فاروق خورند که نافع است و اگر کزک شده باشد نیز نافع است و مجرب است و از سردی هوا از ترشی و از جفراحت ملاحظه کنند در همه جراحات یاد دارند مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۴۵

که اگر چرک و وسخ بسیار باشد اول مرهم نیز نمایند که وسخ دور شود و چون جراحت سرخ شود داروی ملحم نمایند برگ سبز درخت کنار بتخصیص کنار بوستانی بکوبند و بر جراحت نمایند که زود پوست برویاند در جراحات و قروح خبیثه اگر آن قروح را به زبان سگ بلیسانند بغایت نافع است چند روز بلیسانند و بعد از آن از زبان سگ مرهم ساخته بمالند که عظیم مجرب است در زخم و جراحت تازه از روغن بودار خاصه اموری مشاهده می شود که از عجایب عجیب است موی یال جزو موی سر آدمی بتخصیص موی زن بسوزانند و بر قروح خبیثه بپاشند و بعد از آن منقیات اوساخ بمالند از مرهم و غیرها نافع است ریوند چینی را در تنقیه اوساخ و اقدار که در اقدار قروح دخلی عظیم است بادمال و در اسهال اغراس دخلی تمام دارد و ردع ماده دامامل خام و تنقیه دامامل پخته بی مثل بود و ظاهرا که در جراحات بینی بهتر باشد و لهذا می گویند که بجهت قرحه مئانه و سوزاک بغایت خوب است بجهت خشکی اطراف تخم هندوانه را بر آتش می دارند چون گرم شود مغز آن را برآورده می کوبند و بر دست و پای می مالند و می بندند خشکی که از امراض آتشک و غیره بوده باشد می برد میرگدائی را خشکی و دانه چند در کفهای دست بهم رسیده بود بهمین مداوا شد و پوست درخت مغیلان اگر بگیرند و بجوشانند و بر بخار آن دست بدارند و بعد از آن بدست بمالند چندان که خشک شود و یک هفته مداومت کنند مجرب است نرم می کند خشکی اطراف را باذن الله تعالی اگر پیکان یا آهن در عضوی نشسته باشد و بیرون نیاید تخم پنبه را بکوبند و به بندند و بکشند درین باب مبالغه کرده اند و وزغ نیز شکافته بندند نیز می کشند در جراحات کام و خیشوم و بر جراحت کام و خیشیم که اثر دوا بر آن نرسد

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۴۶

سیماب خام آب نانخواه سبز قند سیاه بغایت نازک بسایند که خوب خلط شود و از آن حبها ساخته بدهند که در دو هفته نفع عظیم می کند طفلی را جراحت چنین بود و آبی که می خورد از بینی او می برآمد و غنه عظیم در آواز او ظاهر شده بود و سخن او مفهوم نمی شد باین دارو علاج شد پرهیز از ترشی و لبنیات و فواکه و امثال آن

## زخم گربه گزنده

گزند را نعناع خشک سائیده به آب نعناع تازه خمیره کرده می بسته باشند که به شود

## کوفت رسیده

حنا را بغایت نازک بسایند و در روغن بالای آتش نرم بمالند تا مثل مرهم شود جائی که کوفت یافته باشد و جراحت شده مثل سقظه بندند گرم گرم که الم را بر طرف کند ریوند چینی حنا خطمی زردچوبه بغایت نازک بسایند که مثل غبار شود و به بندند بر عضوی که کوفت یافته باشد بسیار نافع است و کذلک بر جراحات رطبه بریزند که زود خشک کند

## سوختگی آتش

جائی که به آتش سوخته باشد بسیار نافع است اگر چونه را هفت مرتبه شسته پارچه را به آن لطح بکنند و بچسپانند ساعت بساعت در تازه و کهنه این نافع است جراحت که از سوختگی آتش باشد و آب گرم و غیر آن باشد و متعفن شده باشد عجیب نافع است خاکی که از میانه تگرگ برآمده باشد بسایند نازک و بپاشند که گوشت متعفن ازاله کند و تازه برویاند و درین باب هیچ چیز باو

نمی‌رسد و زود گوشت بالا می‌آورد ملاحظه کنند که زیاده نشود و به آب تگرگ شستن آن جراحی نیز خوب است

### ناصر

بگیرند چینی شکسته و بسایند نازک و از حریر صفیق بگذرانند و به آب برگ نیم تر کرده بر صخی پهن کنند تا خشک شود با آب برگ نیب تر کنند و خشک کنند سه نوبت و بعد از آن

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۴۷

بغایت نازک بسایند و ناصر را با آن پر کنند بغایت عجیب نافع است و تا ده مرتبه کم ناصر می‌باشد که خوب نشود و در نواصیر بدن همه جا آزموده است و در نواصیر چشم و روی و سینه و یک مرتبه در ناصر مقعد نیز آزموده است و اگر ناصر غائر باشد و سر آن تنگ باشد و دهان آن را فراخ کنند بتوتیای هندی یا مرهم زنگار یا مرهمی دیگر بعد از آن این دارو بغور او فرستند

### نضج دامامیل

گل خطمی را بکوبند و به پزند در آب و اگر در گلاب بیزند بهتر در نضج دامامیل بسیار خوب است ضماد کنند گرم گرم و اگر با مرهم اشق ضم کنند و ضماد کنند بی نظیر بود

### تفجیر ورم

اگر خواهند که تفجیر ورم کنند بعد از نضج از آن بگیرند حب دبق و پوست آن دور کنند و بکوبند و آب صابون اضافه نموده باز بکوبند تا مثل مرهم شود بعد از آن ربع مثقال زردچوبه سائیده اضافه نموده ضماد کنند که خود بخود شکافته می‌شود

### خنازیر

دوائی که هندیان پهنکنی گویند پهنکنی از آن بخوراندن چهل روز هر روز قریب مثقالی و پرهیز کنند غذا نان باندک روغن خنازیر برطرف شود هر چند که عظیم و کهنه باشد کرد خنازیر را با کی برانند مثل این شکل و سم الفار سائیده در آن چاکها پر کنند و یک جز اشخار و یک جزو نیم نوره تیز سائیده به آب خمیر کرده بر آن طلا کنند چند روز متوالی چون کنارهای آن موضع بترقد فتیلهها سازند باریک بهمان شکل از هیری ده جزو سم الفار یک جزو چند روز در همان موضع پر کنند و بعد از آن چند روز برنج در دوغ پخته بسته باشند بعد از آن ساگ بهتوا بانجیر درهم کرده بکوبند و بر آن خنزیر به بندند که خنزیر درین تدابیر خودبخود می‌افتد و اگر آنکه جدا شود و بیرون نیفتد بدوی کنند به انگشت یا به میل که بیفتد

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۴۸

بعد از آن چند روز لپ کنند که پاک شود بعد از آن بمرهم رال علاج کنند

### مرهم رال

صفت آن روغن کنجد را داغ کرده در نگری اندازند چون خوب داغ شود آن نگری را دور کرده رال را بسایند و در آن اندازند و مرهم سازند

### مرهم اشق

مرهم اشق را این مرهم بغایت نافع است در تحلیل صلابات و خنازیر و سلعه بگیرند خردل و کف دریا و زراوند طویل و تخم انجره و کبریت اصفر و مقل و اشق از هر یک دو جزو زیت عتیق دوازده جزو ادویه را بغایت نازک بسایند که مثل غبار شود و مقل و اشق را در زیت حل کنند و دو جزو شمع اصفر گداخته اضافه نمایند و ادویه را بر آن ریزند و بمالند تا مرهم شود و نگاه دارند و چون خواهند که استعمال کنند یک جزو ازین مرهم و یک جزو روغن گل و یک جزو زیت با هم مخلوط کرده ضماد کنند و گرسنگی و تشنگی بیمار لازم است و اجتناب از مبردات و مرطبات و همین مرهم بغایت مجرب است گاهی ادویه این مرهم نازک سائیده بغیر از زیت و موم در سرکه حل کرده می‌بندیم نیز این عمل می‌کند بلکه قویتر لیکن گاهی جراحت قلیلی می‌کند اگر دنبلی عظیم عسیر النضج باشد یا کفکیرک که پخته نمی‌شده باشد دو توله این مرهم ضم می‌کنم یا دو توله گل خطمی و برگ آن که سائیده بغایت خوب پخته باشند که بطریق خمیر شود و در اواخر قدری گلاب نیز در آن ریخته باشند چون پخته شود این مرهم اشق را اضافه کرده درهم مالیده وقتی که بسیار گرم باشد می‌بندیم بغایت عجیب است در سرعت نضج کار یک ماه در سه روز می‌کند

### کفکیرک

در کفکیرک لازم است اول کشیدن خون دویم مواد دیگر نگذاشتن که چرک درون جراحت بماند و دور کردن پوست مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۴۹

و گوشت متعفن و این را مرهم زنگار شستن اطراف جراحت به آبی که در آن برگ نیب ناشسته باشند تا مهرا و ضماد کردن بهمان برگ پخته و چون جراحت صاف شود جایز است به روغن جراحت مداومت کردن و ایضا گوشت گاو بپزند چهار ساعت بخوبی و بعد از آن تخم هندی را بغایت سحق کنند که بطریق مرهم شود و به آن ضماد کرده گذارند گاه باشد که بهمین علاج تمام شود و این مرض یکی را که در غایت صعوبت بود بطریق اول علاج کردیم و تقویت اعضاء رئیسه بمفرحات و تریاقات و مقویات و تریاق فاروق و مثل آن کردیم بنجاح پیوست

### برای دفع عرق

بغایت خوب است کزمازج هشت جزو شبت پنج جزو گل ارمنی پنج جزو و مردارسنگ ده جزو مازوی سبز ده جزو سفیده کاشغری ده جزو روغن مورد پانزده جزو ادویه را در روغن مورد بالای سنگ بسایند چندانکه حل شود و در ظرفی کرده نگاهدارند و روغن گل مازوی سبز سائیده بمالند و با سفیده و گل طاقه دو زان بر بدن بمالند و نیز گل ارمنی و مردارسنگ با گلاب و نیز دهن سفرجل و روغن مورد و گلنار و مازو بمالند و لعاب‌های خنک نیز مفید است و آب ریشه تاک و غوره و صندل و کافور نیز مفید است بحسب مزاج ایضا اگر عود غرقی را مانند صندل صلایه کنند و آن را با گلاب سرشته بر بدن بمالند نافع است و اگر پیراهن را تر کنند به آن و خشک کرده بپوشند مردارسنگ عجیب نافع است چون با سرکه سائیده باشند رطوبت بیخ ران و جراحت و بوی را و کذلک بوی بغل را بجهت دفع عرق بارد که نه از قسم بحران باشد و نه از قسم عرقی که در اواخر نوبتها می‌شود و نه از بسیاری مواد بلکه در ایام درین موضع که هستم عرق سرد مرد را بسیار می‌شود و خصوصا ناقهان را و ازین شکایت بسیار می‌کنند فرمودیم

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۵۰

که معجون یاقوتی و عرق چوب چینی بسیار خوب است

### مطبوخ برای آتشک

پوست درخت نیب پوست درخت کچنال بیخ حنظل پهلوی بیول کتائی خورد مع بیخ و پوست و پهل قند کهنه هر یک نیم پاؤ در سه آثار بجوشانند چون چهارم حصه بماند صاف کرده نگاهدارند و تا هفت روز هفت مرتبه کرده بخورند

### جرب

اگر از فساد رطوبت بدن و دفع طبیعت مر آن را باشد پس اگر اول تنقیه کنند بهتر باشد و اگر بعد از آن احتیاج باشد دوا بر بدن بمالند و اولی آن بود که فصد کنند اول و بعد از آن حب صبر خوردن تا تنقیه تمام حاصل شود و از مسهلات هیچ چیز مثل حب صبر نیست برای جرب و بعد آن بگیرند کبریت اصفر صاف نازک بسایند ده درم و با صد درم پیه گوسفند مخلوط کنند و دو درم میعه سایله اضافه آن کنند و بمالند بر بدن که جرب متقیح را هیچ چیز مثل این نیست و ما یکی از اولاد ملک را که جرب داشت و چهار ماه اطبا معالجه کرده بودند و عاجز آمده بهمین کبریت و پیه علاج کردم و خواستم که دارو را ببو شناسند اندکی میعه سایله اضافه کردیم در یک هفته صحت یافت و اگر زرنیخ در روغن کنجد بپزند و به آن روغن بمالند نیز این عمل کند و در جرب خشک نیز نافع بود و اگر بگیرند محلی که خرزهره باشد و بجوشانند بسیار و آب آن را با روغن کنجد بیامیزند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند برای خارش بدن بی نظیر است و تخم پنوار در اکثر اقسام حکه و جرب و زیاد ریختن موی از فساد اخلاط بالجمله هر فسادى که در اخلاط پیدا شود و همه را نافع است هر صبح یک مثقال از آن بخورند به آب خنک جهت قوبا نافع است روغنی که بچکانند از پوست

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۵۱

نارگیل بقاروره منکبه و کذلک نافع است دوپاس با غسل مالیدن و کذلک لبان که آن را تصعید کنند و تقطیر در ظرفی که درون دیگر باشد که آب آن بچکد و باقی اجزا صاعد شود و کل واحد از آن و از آن صاعد بمالند که نافع است گیاهی که آن را بهندی کتومری گویند بغایت تیز است و نافع است در قوبا جهه مالیدن و احتمال قریب دارد که بهق و برص اسود را نیز نافع است چه برص اسود همان قوبا است که نافذ است در لحم

### روغنی که در حفظ شعر و تقویت آن

نظیر ندارد بگیرند برگ مورد دوازده جزو آمله منقی پنج جزو پوست هلیله سه جزو پوست بلبله دو جزو مازو سبز سه جزو پرسیاوشان یک جزو طباشیر یک جزو لادن دو جزو پوست انار دو جزو گرد سماق یک جزو زرور یک جزو فوفل دو جزو ادویه نیمکوفته کرده یک شبانه روز در آب گذارند و بعد از آن فرود آورده محکم بدست بمالند و صاف کنند اما بنوعی که جرم ریزه دار که همراه مانده باشد روغن کنجد خالص پنجاه جزو روغن گل پنجاه جزو اضافه نموده به آتش نرم بجوشانند و برهم می زده باشند در آخرها آن جرم بسته می شود اول بیرون بیاورند و خنک کرده در ظرفی کنند و بعد از آن روغن را خنک کرده بر آن ریزند تا قوت آن بگیرد باید که در اخیر احتیاط کنند که آبی که در آن مانده باشد خوب نیست و اگر بعد از سوختن قلبی آتش دیده باشد ضایع می شود باید که در وقت گرسنگی سر را شانه نکنند که موی بسیار فرو می آیند در گرسنگی بیاید انبه بادام که خشونتی که به آن خسته اش می باشد پیدا نشده باشد آن را چهار پاره کنند بنوعی که از هم جدا نشود و اندرون آن را براده نازک آهن پاشند و گرد آن انبه را ریسمان بندند که براده از آن نریزد و بعد از آن او را در کوزه آهنی که در آن روغن کنجد

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۵۲

انداخته باشند بحساب هر پنجاه انبه پنج سیر روغن و یک سیر آمله منقی که شب اندکی نم داده باشند آب آن را گرفته در آن کوزه اندازند و نیم سیر مازوی سبز که بطریق آمله نم داده کوفته باشند و یک سیر بار مغیلان که گل باشد آن را کوفته اندازند و



نیم علقی که بهندی سورج مکھی بزرگ گویند تر و تازه کوفته در آن اندازند و سه روز کوزه را در آفتاب نهند چوبی در آن بگذرانند که مخلوط شود و بعد شش ماه در زیر زمین دفن کنند که تمام ادویه حل خواهد شد الا خسته انبه آن را بگیرند و هموزن آن قرنفل در روغن کنجد نیک سائیده بعمل آورند طریق عمل آنکه موی سفید را بکنند فی الفور اندکی بر آن موضع بمالند تا هفت مرتبه که مرتبه هفتم سیاه بروید و نیز اگر آن خسته را بخورند چهل روز نمک نخورند موی سیاه برآید آب لیمون را هر سال چند مرتبه بر دبق کنند در بهم حیات قدری بیاشامند زیاده از سه وقیه نافع آید

### حمی الدق

بقسمیه با کافور را فراموش نمی‌کنم در اقسام حمیات نائبه حمی الصفراویة باقسامها الخاصة و غیر الخاصة و غیرها عناب پنجاه دانه آلو بخارا بیست دانه تمر هندی دوازده مثقال نیم روز در آب کنند و قدری از آن آب اول شب صاف کرده بیاشامند و هم آب صاف کرده سحر بیاشامند و بدین مداومت کنند در غب بغایت مجرب است در غب نائبه در اوائل شیر کاسنی بدهند و بعد از یک هفته اقراص کافور و زرشک اضافه کنند و روز نوبت غذا ندهند مگر مریض طفل باشد و وقت نوبت در اوائل روز باشد و بعد از نوبت هر گاه میل شود غذا بدهند و غذای شوربای تمر هندی الا وقتی که اسهال عفنی باشد پس بقوابض بارده

مجلات حکیم علی گیلانی، ص: ۵۳

مثل اقراص کافور و یاقوتی بارد و قرص طباشیر قابض و شربت صندل و امثال آن علاج کنند و بر این حال روز نوبت افیون و ورق الخیار و کافور بحسب مزاج وقت و غیرها ترکیب کرده بدهند که در ابطاء نوبت و تخفیف آن دخل عظیم دارد

### حمی الدق

مریض که دق مرکب داشت و مواد غلیظه نیز فی الجمله در بدن او بود و زانو از وجع مفاصل چنان بسته بود که اصلا حرکت نمی‌کرد و بغایت بی‌قوت بود اول روغن شبت بر زانو مالیده شد بغایت نافع آمد و اندکی تریاق خورانیده شد و اندکی نضحی که در حمی بلغمی می‌دهم و بشیافه یک دو مرتبه حل طبیعت او کرده شد یک تپ لثقه مفارقت کرده و بجهت دفع تپ دق دو هفته بدین ادویه مداومت فرمودیم تپ دق مزائلت کرد و قوت کرخت ادویه اینست نیب زبیب تازه دو مثقال قرص عنبر محلول دو مثقال عرق کاسنی دو مثقال عرق نیلوفر دو مثقال عرق بیدمشک دو مثقال قرص کافور خاصه نیم مثقال چون هوا گرم بود شبانروزی چهار مرتبه این دوا داده می‌شد و یک دو مرتبه آب هندوانه باندک قرص عنبر محلول و غذای دیگر اگر می‌طلبید اندک اندک داده می‌شد غذای مدقوق و هر چه به او می‌دهند باید که کم کم باشد اگر چه چند دفع بدهند باکی نیست بلکه لازم است حب دق این حب بتدریج دق زائل می‌کند خشخاش سه مثقال گل ارمنی دو مثقال مغز تخم کدو دو مثقال و مغز تخم هندوانه دو مثقال صمغ عربی دو مثقال طباشیر سفید دو مثقال افیون نیم مثقال بزر البنج نیم مثقال کافور پنج مثقال زعفران یک دانگ تخم خرفه دو مثقال کوفته پخته بلعاب بزرقطونا بسرشد و حب سازند مقداری نخودی هر صبح هفت حب با شربت نیلوفر پنج

مجلات حکیم علی گیلانی، ص: ۵۴

مثقال شربت انار پنج مثقال شیر تخم خیارین سه مثقال و در اکثر اقسام قرص کافوری و هم با شراب انگوری وقت سحر قبل از طلوع صبح و شیر خرفه می‌دهم وقت طلوع آفتاب و غذا در چاشت می‌دهم گاهی بییک روز دفع می‌شد و گاهی تا سه روز می‌دهم اگر بیمار قوی باشد بحمام می‌فرستیم که بتدریج در آب گرم درآید و چون خوب گرم شود غافل او را در آب سرد بیندازند یا آب سرد چند کوزه غافل بر سر او بریزند و به این حیل چند مدقوق شفا یافته‌اند و این هر دو معالجه از حکما است و اگر خواهند که لرزیدن تب کم باشد در وقت لرزیدن هر دو پای مریض در آب گرم نمایند در روغن شبت و روغن بابونه گرم بر مهرهای پشت و

بر دست و پا بمالند و قدری افیون و ورق الخیار با یاقوتی معتدل یا حار ممزوج کرده بخوراند قبل از لرزه عقب آن گلاب گرم بخوراند

### حمی بلغمی

ماده تب بلغمی را اول نضج دهند بمثل این دو گلکند خمیره بنفشه هر یکی چهار مثقال بنفشه یک مثقال بادیان نیم کوفته نیم مثقال عناب بیست دانه در سه رطل آب بجوشانند تا نصف بماند صاف نموده یک مثقال معجون کمونی در آن حل کنند و بدهند و بعد از سه روز چهار مثقال دواء التبرید نیز در آن حل کنند و بعد از آن پنج مثقال سنا مکی نیز جوشانیده اضافه کنند نافع است زنجبیل یک جزو نبات سه جزو سفوف سازند مقدار شربت دو مثقال دواء الکبریت کهنه در اواخر نافع است و سکنجین بزوری نیز زنجبیل سفید پاکیزه با شش مثل آن نبات سفید بکوبند و پزند و سفوف بکوبند و به پزند و سفوف کنند هر شب یک مثقال در علاج حمی بلغمی نافع تر ازین دوائی یافته نشده خواه نائبه خواه لثقه

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۵۵

### الحصبة و الجدری

این دو مرض در ظاهر معروف اند و علاج اینها نزدیک است بهم و سبب این هر دو مرض خونست که فاسد شود و طبیعت خواهد که بطریق غلیان دفع آن کند اما در جدری خون فاسد بحسب کمیت بیشتر بود و در حصبه فساد خون بیشتر است یعنی در کیفیت فساد غالب است و اولی چنان است که از اطفال قبل از حدوث این مرض هر سال یکبار وقتی که آفتاب در حوت بود خون کم کنند بطریق حجامت و ارسال علق بهتر است بتخصیص قبل از ده سالگی اطفال که بعد از خون کم کردن اکثر آن است که این مرض حادث نشود و اگر شود سبک می‌گذرد و اگر فاصله میان تب کرده و خون کشیدن دو ماه شده باشد همان تب کند باز خون کشند قبل از آنکه آثار برون آمدن جدری ظاهر شده باشد و بعد از ظهور جایز نیست الا در ضرورت تام ما می‌کردیم نافع آمد اما احتیاط شرط است اگر در اوائل اثر امتلاء معده ظاهر شد تلین طبیعت بشیافات ملایم کنند و آب عناب و اگر اضافه بنفشه شود نیز جائز است و اطبا تصرف در حال این مرض بغایت کم کنند و ما تلین طبیعت در اول تجویز می‌کنیم به این طریق که پنجاه عناب در آب تر می‌کنیم و صباح قدری از آن آب عناب بحسب تفاوت سن می‌دهیم و چند دانه عناب تر کرده هم می‌دهیم جهت اطفاء غلیان تا آخر مرض و منع باید کردن از ادهان که مطلقا نزدیک او نپزند چنانکه چراغ را روغن نکنند بلکه شمع نسوزانند با پیه بتخصیص که اگر بیرون برآمدن از بعضی مواضع کاهلی کند درین وقت اگر اظهار کنند بجوشیده از عناب و بادیان و انیسون جائز است و غذا منحصر است در شوربای ماش برنج کم نمک و آنچه نزدیک به این

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۵۶

باشد تا بیست و یک روز و در چشم آب گشنیز و آب پیاز کافور و سماق در آن مالیده باشند هر روز و شب چهار مرتبه قطره قطره بچکانند و اگر بعد از آب گرفتن و بدیر خشک می‌شده باشد بطریقی که سپند می‌سوزند گاهی پیش او چوب گز بسوزند که اثر آن دود بر موضع آبله پخته برسد که زود خشک شود و قوی ازین آنکه خاکستر چوب گز با اسفیداج در خرقه کنند و در محاذات آبله انگشتی بر آن می‌زده باشند تا قلیلی از غبار آن بر آبله برسد که زود خشک شود و اگر احیانا آبله بسیار برآید و بحراقت و قرحه مؤدی باشد بلکه متعفن شود قدری کافور و روغن جراحی که روغن دیودار باشد حل کرده قلیلی از آن استعمال می‌کرده باشند که صاحب جدری عظمی که سرتاپا متعفن شده بود و مجروح و پوست بدان جدا شده و پیه و گوشت می‌نمود باین طریق معالجه کردیم و اگر خواهند که اثر جدری بر بدن یا روی نماند استخوان را بسوزانند و بسایند و بر آن موضع بمالند و استخوان

آهو بهتر باشد و اگر در چشم اثری پیدا شده باشد زردچوبه به آب سائیده در چشم می کشیده باشند که نافع است و اگر بعد از آن بجای آب به آب لیمو بسایند و بکشند اقوی بود و لیکن اگر قوت باصره مانده باشد اینها دفع اثر آبله از چشم می کند و اگر قلیلی از قرص عنبر حل کرده بدهند که جدری و حصبه زود برآید بغایت مجرب است از انجیر و مثل آن علامات نیک در جدری قلت عدد بزرگی مقدار و سرخی لون آن مائل به بیاض و هشیاری و اشتهای طعام و قلت عطش و هر عضوی که بحسب خلقت قویتر افتاده باشد یا بزرگتر بیشتر برآرد و اگر حنا را بر اطراف بندند در اطراف کمتر برآرد و از آن شهرت کرده که حنا مفید است

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۵۷

درین باب و نافع بلکه باید دانست که مضر است چه ماده اگر بجانب اطراف دفع شود بهتر است و گویند که هر تبی که در آن عرق بسیار در تمام بدن می باشد جدری نخواهد شد مگر آن منتقل شود به تب دیگر و لیکن این حکم اکثریست ما بسیار دیدیم مخالف این و اگر عضوی عرق کند معلوم می شود که طبیعت بعضی از مواد را که متوجه آن عضو است دفع می کند که جدری به آسانی برآید و علاج حصبه برین قیاس کنند پشکل خرگوش دو عدد تا سه عدد بخوراند دو سه دانه بیشتر برنمی آید

## آتشک

علاج آتشک آسانترین علاج این مرض چوب چینی است و لازم است که چون این مرض ظاهر شود اول در مقام اخفای عوارض آن مثل ریختن و درد مفاصل و خروج دانه‌های حمره و نار فارسی نشوند به ادویه که درین باب می کنند و ذکر آن نیز می کنم بلکه ادویه حاره استعمال کنند و شراب و عرق دارچینی بدهند و بفرمایند که بدرد حرکات تعب آمیز نکند تا عرق کند و باعث آن شود که مواد همه بحرکت بیرون آید و چیزی در اعماق بدن نماند و اگر یک سال چنین کنند بهتر است و الا شش ماه لازم است و بعد از آن مسهل سبکی بخورند و در اکثر مزاجها معجون بسفایج ما کافی است و بعد از آن شروع کنند در خوردن چوب چینی به این طریق بگیرند شش مثقال چوب چینی برای پیران سرخ و گران وزن و تازه و برای خردان کم رنگ و سبک و لون کهنه و برای جوانان معتدل و بکارد تراشیدن نیک و ده من آب که هزار و ششصد مثقال آب باشد بجوشانند باهستگی در دیگ سفالین یا سنگین و بر آن بیوشانند و چندان بجوشانند که ربع بماند و چون صبح شود و بعد از آن تخلیه بطن و دفع فضلات آن

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۵۸

آن دیگ را نزدیک مریض سازند و بعد از آن سر دیگ را بردارند تا بخار آن به وی برسد و عرق کند و بر موضع که الم بیشتر باشد بخار برسانند و اگر جراحت‌ها باشد جائز است قطره چندین ازین آب بر آن ریختن و شستن و چون بخارات کم شود و حرارت آن کمتر گردد که توان خوردن ربع آن یا ثلث آن را بخورند و یک پیراهن به این آب تر کنند و خشک کرده بعد از آن بپوشند که ملاصق بدن باشد و طعام او درین آب بپزند بی نمک و هر گاه تشنه شوند حصه ازین آب نگاه دارند که از آن می خورده باشند و ثفل چوب چینی جوشیده را نگاه دارند و در سایه خشک کرده روز دیگر باز شش مثقال چوب چینی بهمین منوال بگیرند و عمل کنند تا بیست روز و روز بیست و یکم سه مثقال چوب چینی بگیرند و تنگ کرده به آن شش مثقال ثفل که از روز اول بود جمع کرده بهمین طریق بجوشانند و بخارات و همین حصه را بخورند و بهمین طریق جامه هر روز در آن تر کرده خشک کنند و بعد از عرق بیوشانند و درین بیست روز در آن تر کرده خشک کنند بعد از عرق بیوشانند و درین بیست روز جایز است اگر طعام از آب خالص بپزند به آب خوردن به او ممزوج باشد از آب چوب چینی و آب خالص و اگر نکنند بهتر باشد و درین چهل روز از هوای خشک محافظت کنند بلکه اگر در خانه باشد بهتر است غذا از گوشت مرغ و عسل و قند و نبات و آرد و برنج آنجا سازند مانعی نیست بشرطی که بی نمک باشد و در دو هفته اول درد و الم روز بروز زیاد می شود اکثری را و این بهتر است و بعد از آن روی بتخفیف می نهد و گاه که در بیست روز یا بیشتر درد و الم بتمام برطرف می شود

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۵۹

اما چهل روز را تمام کنند بعد از برآمدن از چوب چینی یک سال میوه و ترشی نخورد و شش ماه مباشرت نکنند و از هوای سرد پرهیز کنند و همچنین از آب برف و یخ و اگر خطائی واقع شود بدتر از اول بمحنت گرفتار می‌شود و علاج آن باز همین چوب چینی است که به احتیاط تمام بخورد و بعضی مردم که مزاج ایشان خشک باشد یا بسیار لاغر باشند یا مزاج دل ایشان گرم باشد در وقت بخار گرفتن عرق کمتر کنند فراخور هر مزاجی و اگر برای محرومان خشک مزاج بادام کوفته با چوب چینی بجوشانند جائز است و کذلک ممزوج کردن با شیر تازه و خوردن این قسم احتیاج کمتر شود مداومت هندیان نانخواه دو مثقال به آب بالای سنگ چندان بسایند که خمیر شود و سه مثقال سیماب زنده بگیرند و در آن انداخته بمدد آب چندان بمالند که ناپدید شود و این مجموع را چهل حب سازند هر حبی را یک روز بدهند و گاه باشد که هر روز دو حب بدهند اغلب در دو هفته نفع می‌کند و جراحی اگر بود خصوصا بر قضیب و حوالی آن مرهم سیماب می‌مالند مجرب است

### برص ایض

زاج سفید دوازده جزو و زاج زرد بیست و چهار جزو شوره چهل و چهار جزو تقطیر کنند و بر موضع برص بسرگین گاو خشک بمالند و به این تیزآب طلا کنند پوست می‌رود و پوست تازه می‌آید به رنگ بدن بگیرند سقمونیا و شوره و زاج سیاه تقطیر کنند که تیزآب حاد از آن می‌چکد و با پر مرغ بر موضع برص برسانند که آن را سوخته جراحی کرده به اصلاح می‌آرد مجرب است و اگر از اول تیزاب بچکد تکرار کنند

### برص اسود

شب یمانی دوازده جزو زرنیخ زرد دوازده جزو شوره نه جزو خبث الحديد شش جزو و به قول بعضی عیوض خبث الحديد توتیای هندی کنند و بقرع

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۶۰

و انبیب بچکانند و موضع را بسرگین خشک گاو که در صحرا افتاده باشد بمالند تا سرخ شود و پر مرغ مکرر بر آن موضع برسانند که گوشت آن موضع می‌افتد و رنگ اصلی پوست ظاهر می‌گردد و باید که بعد از افتادن پوست به روغن تلخ گرم بمالند در ماده شخصی که بهق سفید داشت فرمودند اگرچه ادویه حاره ازین رهگذر که مضاده نسبت به این علت دارند مناسب است اما بعد از بهم رسیدن بلغم بسیار بی‌تنقیه استعمال ادویه حاره بسیار گاهی باعث علت این شود چرا که بیفتد و تبخیر خلط را بجلا می‌رساند زردچوبه گل و برگ خطمی حنا ورق الخیار هر یکی ده مثقال بزر البنج تخم تاتوره اشخار هر یکی هفت مثقال کافور بارد دو مثقال ادویه را بغایت نازک بسایند و به‌بندند که بغایت نافع است و

### درد زانو

که غایت شدت بود و سبب افتادن از اسپ بود اول به زلو خون کشید مکرر بعد از آن دو روز این دارو بسته شد مواد بسیار کم کشید و آبله بزد و در سه روز تمام برطرف شد این مسهل در دردهای مفاصل بتخصیص درد زانو را بغایت مجرب است پوست حنظل سه مثقال و نیم مویز سرخ یک کف بجوشانند با هم در دو پیاله آب تا ربع بماند و بدست بمالند و صاف کنند و بیاشامند و اگر مصلحی قبل ازین بدهند بهتر است این مسهل بلغم زجاجی بسیار از مفاصل دفع کند و گاه باشد که در اواخر این محل مسهل و خون دفع شود و نترسند که باکی نیست و تخم لسان الحمل تنها با تخمهای دیگر به آب شیر گرم بخورند که دفع آزردها امعا

کند سوزش پای بنقرس منجر می‌شود حنا بستن چند شب پی در پی مفید است فائده ادویه بعضی باشند که از کوفتن قوت

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۶۱

آنها باطل شود مثل سقمونیا و تربد و اف تیمون و غاریقون و بعضی باشند که اگر بجوشانند قوت آنها باطل شود مثل اف تیمون و تربد پس بهتر آنست که ادویه را در آسیا بسایند و در هاون بکوبند و هاون طلا بهتر است و غاریقون بر غربال بمالند فائده در وقت طبخ همه ادویه را بیک بار نیندازند چه بعضی ادویه کمتر آتش خورد مثل نیلوفر و عناب و اف تیمون و تربد و بعضی بسیار مثل سنا و بنفشه و امثال آن و اگر یکی باشد در دیگری بدلش کنند چنانچه قصب الذریره را با مصطکی بسایند جهت جوارش جالینوس و اگر نیلوفر را بدست بمالند بعد از طبخ تلخ شود فائده در داروی که بنفشه یا خمیره بنفشه باشد هلیجیات نکنند و اگر چه برای خوردن باشد چه با آنکه هر دو از عمل خود باز می‌ماند مضرت نیز نمی‌کند و کذلک جمع نکنند میان صبر و افیون در داروی خوردن اما در ذرورات که برای بستن خون زخمها کنند بسیار مفید است

### تصویل جواهر

اول جواهر را نیم کوب کنند بعد از آن بر سنگ سماق (چخماق) خوب بسایند و در پیاله کنند و به آب مخلوط کنند و بجنابند آنچه به آب ممزوج شده باشد ازو زود در کاسه بزرگی بریزند آنچه در کاسه بماند باز بر سنگ سماق بریزند و بسایند و باز تصویل کنند و آنچه در ته کاسه بزرگ نشیند بعد از آنکه زمانی خوب گذاشته باشند و آب صاف شده بگیرند و جمع کنند اینست تصویل جواهر

### معجون چوب چینی

این معجون از تالیفات ماست بغایت نافع است در دفع ضعف قوی و کسل را و رنگ رخساره نیکو کند چوب چینی خوب بیست جزو عود مصطکی زعفران مکد پنج جزو دارچینی سورنجان شاذنج اشنه قرنفل وج قاقله فلفل گرد فلفل دراز بوزیدان جند شیطرح زنجبیل

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۶۲

ورق گل سرخ زیره کرمانی جوزبوا انیسون خولنجان بهمن سرخ بهمن سفید مکد سه جزو مشک یک جزو قند سفید مثل ادویه عسل کف گرفته سه وزن ادویه شربتی یک مثقال تا دو مثقال

### معجون سنا

از تالیفات ماست بغایت نافع است در دفع مواد حمیات در مرض دماغی و معده و مفاصل و اسهال برفق می‌کند و از هر قسم ماده که غالب بود دفع می‌کند بگیرند سنا مکی یک رطل و نیم اف تیمون یک رطل بسفایج فستقی نیم رطل تربد سفید تراشیده نیم رطل گل بنفشه نیم رطل زنجبیل هفت مثقال ادویه را با سنا بسایند و با پنج رطل خمیره بنفشه و یک رطل گلکند نیم رطل عسل خمیره کنند و نگاهدارند شربتی از دو مثقال تا ده مثقال در آب حل کرده بر آتش ملایم نمایند تا بجوش آهسته درآید بعد از آن صاف کنند بخرفه که صفیق نباشد

### معجون قابضی

در اسهالات عظیم نافع است و مجرب است تخم خرفه بریان کرده و طباشیر و گلنار و گل مختوم و تخم حماض هر یکی چهار جزو

شادنج مغسول و حب الاس دو جزو کندر یک جزو افیون نیم جزو اگر خواهند که سفوف کنند و اگر خواهند با نیم وزن ادویه شهد خام خمیره کنند و ما این ادویه را نیز اضافه می‌کنیم صمغ عربی اقاویا حضض بسد مکد یک جزو کهربا عصاره لحيه التيس و ذغ محرق مکد دو جزو اقماع الرمان بزرقطونا مقلو تخم ريحان مقلو تخم مر مقلو تخم لسان الحمل مقلو ریوند چینی انفحه ارنب اگر یافته نشود انفحه بزغاله مکد سه جزو عصاره ورق لسان الحمل بیست جزو معجون زحیر دو جزو شهد خام نیم وزن ادویه غیر چهار تخم دیگر را بکوبند و بیامیزند و نگاه دارند و شربتی نیم مثقال تا دو مثقال

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۶۳

### معجون زحیر

نافع است زحیر را و بعضی اسهالات را صفته حرف ایض بریان کرده بزرقطونا بریان کرده ابهل مقلو مکد چهار جزو زیره تخم کرمانی تخم کذر یا تخم شبت تخم خشخاش انیسون تخم کرفس بزر البنج سفید مکد هشت جزو افیون سیزده جزو و ادویه را بکوبند غیر از بزرقطونا و با هم آمیخته بوزن مجموع عسل خام بگیرند و به آن خمیر کنند و بعد از شش ماه استعمال کنند از پنج نخود تا یک مثقال بتفاوت مزاجها

### معجون تربد

دفع مواد بلغمی کند بگیرند تربد سفید مصمغ مجوف یک رطل زنجبیل یک وقیه فلفل سه درم مصطکی یک وقیه تربد را بخراندند بروغن بادام چرب و با زنجبیل و فلفل و مصطکی جمع کرده را به آسیا بسایند و با دو رطل عسل صاف خمیر کرده نگاه دارند شربتی دو درم تا پنج درم در آب گرم حل کرده و اگر اندکی بجوشانند جائز است

### معجون یاقوتی بارد

خاصه از تالیفات ماست بی نظیر است در تقویت دل که مزاجش گرم باشد یاقوت رمانی لعل یشب سفید مکد سه مثقال بسد یک مثقال مروارید ناسفته بادرنجبویه گاوزبان تخم خشک زعفران آمله تخم خرفه تخم کاهو بهمن سفید بهمن سرخ مکد پنج مثقال گل ارمنی کزمازج تخم مورد بنفشه گلنار مکد یک مثقال صندل سفید صندل سرخ مکد پانزده مثقال زرشک بیدانه سی مثقال ورق نقره سه مثقال طباشیر هفت مثقال تخم کاسنی ده مثقال شربت انار شربت سیب شربت حماض عرق بیدمشک هر یکی پنجاه مثقال ورق طلا عنبر اشهب مایل بسفیدی مشک تبتی مکد یک مثقال کافور بارد سه مثقال عرق کاسنی یک صد و بیست مثقال نبات سفید هفتاد مثقال عسل سفید دو صد و پنجاه مثقال معجون

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۶۴

سازند

### مفرح معتدل

تام انفع است ما از جمیع مفرحات به این دو مفرح اکتفا نمودیم در امراض مختلفه می‌دهم و گاهی از هر کدام اندکی ممزوج کرده می‌دهم و نافع می‌آید و از جمله منافع این ممزوج آنست که اکثر اسهالات را نافع بود و در امراض رحم بغایت نافع آید و اجزای او اینست مروارید ناسفته زعفران گاوزبان مصطکی بسد دارچینی ابریشم خام پوست اترج کهربا بهمن سفید زرنباد اشنه مغز تخم کدو اظفار الطیب انبرباربس تخم فرنجمشک طباشیر مغز تخم خیار تخم کاهو مکد دو مثقال صندل سفید عود هندی درونج عقربی ورد

احمر مکد سه مثقال عنبر اشهب قاقله کبار ورق نقره ورق طلا کافور گل مختوم تخم کشنیز لاجورد گل ارمنی قرفه سنبل نارمشک مکد یک مثقال لعل شفاف یاقوت رمانی تخم بادرنجبویه مکد یک مثقال و اذخر نیم مثقال شربت حماض یک صد درم

### مفرح کبیر

یاقوت رمانی شب کهرباء شمعی کبابه نارمشک درونج عقربی زرنباد صندل سفید صندل سرخ کشنیز عنبر اشهب فادزهر حیوانی مکد سه مثقال بادرنجبویه هفت مثقال گاوزبان پوست اترج طباشیر ابریشم مقرض مکد شش مثقال بهمن سفید بهمن سرخ سنبل الطیب قرفه قاقله صغار قاقله کبار گل ارمنی گل مختوم زعفران ماه فونین ورق طلا و نقره مکد یک مثقال زنجبیل خراشیده ساذج هندی سعد کوفی شقاقل مصری زرشک بیدانه گل نیلوفر مکد دو مثقال مشک دو مثقال آب به شیرین گلاب آب انار شیرین مکد پنجاه مثقال عرق گاوزبان عرق صندل نبات سفید پنجاه مثقال عسل دو وزن ادویه

### مفرح بنگیان

خوش کیف چون اهل زمان فریفته بنگاند این ترکیب را بجهت ایشان ساختیم و بسیار فرحان می شوند و منتفع می گردیدند  
مغربات حکیم علی گیلانی، ص: ۶۵

بنگ خوب سبز که نه سیاه باشد و نه سرخ بیخ استار باید که اولاً بنگ را تا دو هفته در روغن بادام نگهدارند بسایند و سنبل الطیب و ساذج و زنجبیل مکد سه استار فلفل مصطکی زعفران هر یکی دو استار بغایت نازک بکوبند ادویه خصوصاً نیک را که مثل غبار شود و کذلک زعفران و با سه چندان عسل کف گرفته معجون سازند و اگر مشک یک استار و عود یک استار و عنبر ربع استار ورق نقره نیم استار ورق طلا ربع استار اضافه کنند بهتر باشد

### قرص کافور

خاصه ماست کافور چینیه بارد نیم مثقال زعفران خوب سه مثقال مغز تخم کدو سه مثقال مغز تخم خیارین دو مثقال عسل چهار مثقال ادویه را بغایت نازک بسایند و با قلیلی آب قرص سازند هر قرصی نیم مثقال

### قرص عنبر

خاصه ما است عنبر اشهب خالص که خشک باشد و به آهستگی با قلم تراش و کارد بخراشند آنچه از خراشه آن بهم رسد وزن کنند و دو مثل آن نبات که آن را نیمکوفته کرده باشند جمع کرده در سوهان به آهستگی و ملایمت در وقتی که هوا خنک باشد بسایند کوفتن آن جائز نیست بعد از آن از منخل بگذارند اما دست بآن نرسانند و نخاله آن را باز با نبات دیگر بسایند بعد آن مجموع را در هاون پاکی به آهستگی بسایند تا آنکه مثل توتیا نازک شود و بعد از آن بگیرند مشک خالص خوب ربع وزن و عنبر و بسایند با گلاب بسیار چندان که حل شود بگذارند تا صاف شود و بملعقه مروق کرده آن قدر که عنبر و نبات به آن خمیر شود و در پاتیله بریزند و عنبر و نبات بر آن ریزند و بر خاکستر گرم به آهستگی می مالند و قطره قطره گلاب از آن می داده باشند و می مالیده باشند تا عنبر حل شود و نشان حل شدن آنست که اندک از آن در گلاب

مغربات حکیم علی گیلانی، ص: ۶۶

ریزند و گذارند که خودبخود حل شود و اگر بالای گلاب کفی و چیزی از خمر ظاهر نشود و الا باز می مالیده باشند با گلاب تا

حل شود و باید که تمام نبات برابر باشد و اگر زیاده کنند هم جائز است و اگر خواهند که سخت شود مقدار عشر نبات عسل خوب صاف کرده کف گرفته خوش بو اضافه کنند و این قرص را اگر بعد از یک سال استعمال کنند بسیار خوب است و بغایت خوش بو شود بلکه اگر یک مثقال عنبر و صد مثقال نبات قرص کنند و یک سال نگاهدارند مثل آن معطر باشد که یک مثقال عنبر در ده مثقال نبات ساخته باشند و تازه باشد و در هاون نقره پاتیله نقره بسایند و بمالند اگر در سر بمالند غثیان خواهد آورد

### معجون طلاء

شربت سیب یک نیم آثار ورق طلا یک توله عنبر اشهب یک توله مشک اول دو ماشه زعفران سه ماشه شهد اول پاؤ آثار نبات سی درم گلاب سه انار عطر گلاب شش سرخ

### سفوف قابضی

عظیم النفع است از برای اسهال معدی و مقوی اجزاء دوا اینست تخم خرفه بریان کرده طباشیر گل مختوم گل قبرسی گلنار تخم حماض مکد چهار درم برگ گل سرخ طرائث نشاسته دم الاخوین حب الاس شادنج عدسی مغسول مکد دو درم کندر یک درم افیون نیم درم شربتی یک مثقال اگر دو دانگ این سفوف با دو دانگ دم الاخوین و یک دانگ کهربا بسایند و بدهند نفع آن اضعاف اول باشد و گاهی برین سفوف این اجزاء اضافه کنیم و معجون می‌سازیم در نفع اتم می‌شود اگر چه خود تام است صمغ عربی اقاویا بسد حضض کهربا هر یکی یک مثقال عصاره لحيه التيس و ذغ محرق مکد دو مثقال ریوند چینی اقماع الرمان انفحه الارنب انفحه جدی تخم خرفه مقلو تخم ریحان مقلو تخم حرف و مر مقلو تخم لسان الحمل مقلو

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۶۷

مکد سه مثقال ادویه را بکوبند و غیر از چهار تخم مقلو با هم جمع کرده و با ادویه سفوف بیامیزند و هفت مثقال معجون زحیر عتیق و بیست مثقال عصاره برگ لسان الحمل و سی مثقال شربت انجبار خالص ساده دو مثقال عسل اضافه کرده با هم بسرشند محکم شربتی یک مثقال عجیب النفع است اگر چه سحج از اسهالات رسیده باشند

### سفوف طباشیر

گل مختوم خوب سه مثقال کافور طباشیر گلنار هر یک مثقال بغایت نافع است و از اسهالها که از رخاوت معده و امعا شده باشد با حرارت مزاج بتخصیص اطفال را دو نخود یاقوتی معتدل و دو نخود این سفوف مخلوط کرده بیاشامند

### روغن دیودار

در رویانیدن گوشت بر جراحت نظیر ندارد و چرک نمی‌گذارد و زود بهم می‌آرد و رنگ جراحت و خوبی آن نیکو کند و این روغنی است بغایت مبارک خاصه در جراحات تازه و بسیاری شد که جراحت عظیم بود و احتیاج بدوختن بود این روغن که ریختن و بستن آن چنان بهم آورد که احتیاج بدوختن نشد و زود نیک شد صفته بگیرند دیودار و چوب دار هلد و دود که بر سقف دکان کسی که نخود بریان می‌کند نشیند از هر یکی ده مثقال آنچه کوفتنی باشد بکوبند و مجموع را درهم کنند و روغن کنجد دوپست مثقال و نه رطل آب که سیصد و ده مثقال باشد بجوشانند به آتش آهسته آهسته تا بنصف آید و بعد از آن فرود آورند و بدست بمالند صاف کنند و باز در دیگ کنند و بجوشانند تا به آهستگی چندانکه آب نزدیک سوختن باشد و درین وقت احتیاط کند که بعد از تمام شدن آب اگر آتش بخورد می‌سوزد بس اولی چنان بود که قطره



مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۶۸

چندی آب هنوز به آن بوده باشد فرود آرد و بعد از آن قطرات آب که درون مانده باشد دور کند نافع است در دردها مفصل و دردها مزمن را و اگر اضافه اجزاء این روغن پانزده مثقال هوه‌چوه و پنج مثقال قنه کنند بهتر است هوه‌چوه بگیرند ثقل روغن دیودار که مذکور شد از ریختن روغن صد مثقال و بیست و پنج تخم تاتوره گرفته و ده رطل آب و دو رطل روغن کنجد خالص بر آن افزایند و بجوشانند تا بنصف باز آید بعد از آن صاف کرده بجوشانند تا آب برود و روغن بماند

### مرهم زنگار

بغایت نافع است هر گاه خواهی که جراحت از چرک و وسخ پاک شود اندکی مرهم زنگار با اندکی روغن مخلوط کن و بر جراحت بگذار که پاک شود و اگر بتکرار حاجت افتد نیز نه کنند و بعد از پاک شدن جراحت اگر خواهند که بهمین مرهم تمام علاج جراحت کنند هر روز قدری موم روغن اضافه و استعمال کنند و باید که هر روز مقدار موم روغن چیزی افزایند و از مقدار مرهم زنگار چیزی کم کنند تا جراحت زود نیک شود صفت آن بگیرند روغن گل با روغن کنجد خالص یا روغن دیودار بیست مثقال و گرم کند اندکی و پنج مثقال موم در آن بگذارند و برهم زنند چون حرارت اگر شود چهار مثقال زنگار سوده که نازک سوده جامه بیز کرده باشند بر آن ریخته برهم زنند تا مخلوط شود و نگاهدارند

### مرهم اشق

این مرهم است که در انضاج هر قسم از دما میل که دیر نضج آید بغایت کامل است و در انضاج خنازیر و صلابات و اورام عاصی النضج نظیر او نمی‌یابند بگیرند از کبریت خوب و تخم انجره و

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۶۹

کف دریا همه برابر و در نهایت نازکی بسایند بعد از آنکه از حریر گذارده باشند مقل و اشق را در روغن زیتون حل کنند و با قیروطی که از موم زرد و روغن زیتون ساخته باشند بیامیزند و ادویه را به آن خلط کرده بسیار بمالند تا مرهم شود و گاهی مقل و اشق را با عصاره برگ خطمی سرخ حل می‌کنیم و ادویه را به آن خلط می‌کنیم و در تحلیل صلابات رحم و امثال آن بغایت نافع است و قوی‌العمل و کذلک در اذیه و تحلیل اورام طحال و گاهی بجای عصاره برگ خطمی سرکه تند می‌کنیم بحسب اختلاف مجملا مرهم نظیر خود ندارد برای کوله و غم ماده نیز مفید است

### مرهم سیماب

بگیرند طبرزد ده مثقال و با قدری آب بسایند و پنج درم سیماب زنده پاک و یک درم توتیای هندی سوده بآن بیامیزند و چندان بدست یا هاون سنگین بمالند که حل شود برای جراحت قضیب و حوالی آن بسیار خوب است چه از باد فرنگ باشد چه از غیر آن دیگر زرنیخ سرخ شش جزو زرنیخ زرد شش جزو مر دو جزو زنگار دو جزو نوره یک جزو بغایت بکوبند و با سرکه تند خمیر کرده قرص سازند

### فلافیون

زرنیخ زرد هفت جزو زرنیخ سرخ هفت جزو شب هفت جزو افاقیا دوازده جزو بکوبند خمیر کرده قرص سازند بوره محرقه بیست و پنج جزو بکوبند و با بول اطفال بجوشانند که مثل مرهم شود و مواد صلبه خبیثه را دور کنند صندل سرخ در ردع بغایت مزیده است

و جراحات عظیمه را که مواد بر آن می‌ریخته باشند بغایت نافع است جراحات که از رسیدن روغن چربی‌ها؟؟؟ می‌شده باشد علاج آن به برگ نیب کند که عجیب مجرب است بگیرند

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۷۰

بگیرند زردچوب و خشک بسایند و در آب مهاور غلیظه بمالند به آهستگی تا حل شود و با پیه یا فتیله به آن آغشته در جراحات که ناصور شده باشد بمانند که در اندک روزی شفا یابد تشنجه‌ها که بسبب رسیدن زخم شده باشد کنجد را سائیده در روغن کنجد بر عضو بستند و بخوبی کشیده نگاه داشتند بعد از آنکه به آب گرم بسیار زمان مالیده بودند قریب یک ماه بیشتر و کمتر این عمل می‌کردند جمعی که باین تدبیر نجات یافتند اما محنت بسیار است آب سیب (نیب) را با موم روغن بجوشانند و مرهم سازند برای جراحات بسیار خوب است بارزد که قنه باشد برای جراحات خوب است پهنلی برای جراحات بسیار خوب است

### شربت گاوزبان عنبری

در تقویت قلب بغایت نیکو است بگیرند گاوزبان کوهی یک وقیه و در سه رطل آب و یک رطل گلاب ممزوج یک شبانروز گذارند و بعد از آن بجوشانند تا ثلث آب بماند و بدست بمالند و صاف کنند و بگذارند تا ثقل آن بنشیند بعد از آن مروق آن را بگیرند و اگر بعلقه ترویق کنند بهتر بود و پنجاه مثقال قند در آن انداخته بجوشانند اگر دو وقیه زعفران و دو مثقال مصطکی بغایت نیکو بسایند و در دو وقیه گلاب و عرق بیدمشک ممزوج یک شبانروز بگذارند و داخل شربت شود قوت او مضاعف شود و اگر بهتر ازین خواهند این شربت را بعد از آن که زعفران و مصطکی سه روز بوده باشد بر خاکستر گرم نمایند تا قوام او نیک شود صاف کنند از زعفران و مصطکی و مقدار دو وقیه قرص عنبر خالص و یک توله گلاب و دو اوقیه عرق بیدمشک حل کرده بر آن

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۷۱

اضافه کنند و بر خاکستر گرم بمانند تا مخلوط شود

### شربت سودا

از تالیفات ما سوداوی و صفراوی و سودای خونی را دفع کند بی‌اذیت و درین مواد بهتر از مطبوخ افیمون است بگیرند تمر هندی و آلوبخارا هر یکی پنج مثقال افیمون سنا مکی مکد چهار مثقال بنفشه شاهتره مکد سه مثقال شیرخشت و خمیره بنفشه مکد پانزده مثقال اول بنفشه و شاهتره بجوشانند و چون بجوش آید ادویه دیگر بریزند و صاف کرده بیاشامند و پیش ازین شربت نضج ماده سودا بنمایند بهتر باشد و اگر شیرخشت نباشد بدل آن ده مثقال فلوس خیار شنبر داخل کنند این نسخه نیز بغایت نافع است و در اسهال اخلاط سودائی بی‌نظیر است و مجرب و در جذام نافع افیمون پنج درم سنا مکی پنج درم پوست هلیله کابلی سه درم بنفشه سه درم بسفایج نیمکوفته سه مثقال پرسیاوشان سه مثقال تخم کاسنی سه درم عناب بیست و پنج دانه سپستان بیست و پنج دانه آلوبخارا ده دانه همه را در یک کاسه آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کرده افیمون را خریظه کرده در آن آب بمالند تا قوت خود را باز دهد پس بیست مثقال ترنجبین سفید و ده مثقال فلوس خیار شنبر در آن حل کرده و صاف کرده یک مثقال روغن بادام تازه اضافه نموده نیم گرم تناول کنند ازین طبیخ بعد از تجربه بسیار عظیم نفع ظاهر شد اخلاط مختلف دفع می‌کند و اگر برای بعضی امزجه ادویه را مضاعف کنند جائز است عمل متوسط این مطبوخ ده مجلس است و در مجلس عمل اخیره بلاغم غلیظه

متحجره و سودا دفع می‌شود و هر گاهی

مجربات حکیم علی گیلانی، ص: ۷۲

در عمل شود در مراتب اخیر اندک آب مرغ پخته بغیر نمک بیاشامند و یا قبل از آشامیدن در عمل آخر اندک هندوانه شیرین

می‌خوریم و بعد آن مطبوخ را می‌آشامیم و بعد از آن دو چمچه آب هندوانه می‌خوریم و نفع عظیم می‌یابیم جهت حرارت مزاج اصلی برگ سنبهالو برگ چولائی آن بگیرند تهیج را نافع آید کتومر که جهت قوبا نافع است آب تلسی در منع حمل قوی است شیره دوب جهت دفع سمیت افیون بی‌نظیر است و آب گیاهی است آب آن در دفع زهر مار نافع است بعونه تعالی جل شانه تمام شد  
مغربت حکیم علی گیلانی [۱]

[۱] گیلانی، علی، مغربت حکیم علی گیلانی، ۱ جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۷ ه.ش.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم  
جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)  
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای  
 و) راه‌اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)  
 ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه‌سازی، موبایل‌سازی، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...  
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت‌کننده در جلسه  
 ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌رمان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶  
 وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:  
[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی  
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل  
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه‌الله الاعظم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف توفیق  
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳  
 به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده  
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار  
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،  
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی  
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از  
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،  
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی  
 همه مردم را زنده کرده است!» یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

**۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹**

